Quarterly Journal of Economic Research and Policies Vol. 33, No. 113, Spring 2025

Tax distortions caused by Inflation in Iran

Mohammadmahdi Bandeali Naeini
Master's student in Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics,
Imam Sadegh University (AS), Tehran, Iran. (Corresponding Author)
bandehali@isu.ac.ir
Kamran Nadri
Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics,
Imam Sadegh University (AS), Tehran, Iran
nadri@isu.ac.ir

Inflation is a fundamental challenge for Iran's tax system, which causes injustice in the economic system by creating distortions such as changing the tax burden, reducing government revenues, and expanding tax evasion. The purpose of this research is to carefully examine these disorders and provide macro solutions to achieve a fair and efficient tax system in Iran's inflationary conditions. Based on the policy approaches of this research, policy makers should continuously act on the inflation indexing of Rial figures in the laws. This indexing can be done as a proportion of the tax exemption ceiling in Article 84 of the Direct Taxes Act, which is determined annually in the Budget Law. Also, in order to prevent the erosion of obligations, it is necessary in cases where shortening the legal opportunities is less harmful than the erosion of obligations due to delay, to shorten the Payment deadlines. In addition, it is necessary to determine the percentage of fines and incentives listed in Article 190 of the Direct Taxes Act, according to the expected average inflation on an annual basis.

JEL Classification: H21, H24, E59,H29
Keywords: Tax distortions, Inflation, Collection lags, Obligations erosion, Inflation adjustment

Reccived: 2024/06/13 Accepted: 2024/09/23

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۱۳
سال سی و سوم، بهار ۱۴۰۴، صفحه ۱۶۸ - ۱۱۸

اختلالات مالیاتی ناشی از تورم در ایران

محمدمهدی بنده‌علی نائینی
دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)
bandehali@isu.ac.ir
کامران ندری
دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران ایران
nadri@isu.ac.ir

تورم، چالشی اساسی برای نظام مالیاتی ایران است که با ایجاد اختلالاتی نظیر تغییر بار مالیاتی، کاهش درآمدهای دولت و گسترش فرار مالیاتی، به ناعدالتی در نظام اقتصادی دامن می‌زند. هدف از این پژوهش، بررسی دقیق این اختلالات و ارائه راه‌حل‌های کلان برای نیل به یک نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد در شرایط تورمی ایران است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سیاستگذاران می‌بایست به طور مستمر نسبت به شاخص‌سازی تورمی ارقام ریالی موجود در قوانین اقدام نمایند. این شاخص‌سازی می‌تواند به صورت نسبتی از سقف معافیت مالیاتی در ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم، که سالانه در قانون بودجه تعیین می‌شود، انجام پذیرد. انتخاب سقف معافیت به عنوان مبنای شاخص‌سازی از آن جهت حائز اهمیت است که این سقف هرساله با توجه به نرخ تورم تعدیل می‌گردد. همچنین برای جلوگیری از فرسایش تعهدات، لازم است در مواردی که کوتاه کردن فرصت‌های قانونی، آسیب کمتری نسبت به فرسایش تعهد ناشی از تأخیر دارد، نسبت به کوتاه نمودن فرصت پرداخت اقدام نمود. علاوه بر این، ضروری است درصد جریمه و مشوق مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم، با توجه به میانگین تورم مورد انتظار به صورت سالانه تعیین گردد.

طبقه‌بندی JEL: H21, H24, E59,H29
واژگان کلیدی: اختلالات مالیاتی، تورم، وقفه در پرداخت، فرسایش تعهدات، تعدیل تورمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۱. مقدمه

از جمله اساسی‌ترین دلایل اختلالات و عدم ثبات اقتصادی در نظامات اقتصادی کشورها، عدم پایداری درآمدهای دولت است. این مهم به ویژه در کشورهای در حال توسعه که به دنبال تحقق اهداف کلانی نظیر ایجاد ثبات اقتصادی، برقراری نظام تخصیص کارا و عادلانه منابع و درآمدها، رشد اقتصادی و بهبود ناترازی‌های بودجه‌ای هستند، هزینه‌های سنگین و فزاینده‌ای را برای دولت‌ها به دنبال داشته که ضرورت وجود منابع پایدار درآمدی را بیش از پیش پررنگ ساخته است. نظام اقتصادی ایران نیز از این موضوع مستثنا نبوده و با توجه به تکیه بودجه و منابع درآمدی دولت بر فروش نفت و قرارگرفتن در شرایط خاص تحریمی، عدم ثبات و پایداری درآمدی تحمیل‌شده بر اقتصاد کشور، کسری شدید بودجه‌های سنواتی را به دنبال داشته‌است. از همین‌رو در سال‌های اخیر تلاش‌های ویژه‌ای به جهت ایجاد درآمدهای پایدار برای دولت صورت‌گرفته که اصلی‌ترین آنها افزایش سهم درآمدهای مالیاتی می‌باشد. بر همین اساس باید توجه داشت که مرتفع ساختن عدم پایداری درآمدهای دولت از طریق مالیات، به عنوان راهکاری اساسی، مستلزم استقرار نظام مالیاتی عادلانه و کارا است که پویایی و توانایی انطباق با شرایط و مولفه‌های اقتصادی را داشته باشد.

از متغیرهای کلیدی که در طی سالیان گذشته به طور گسترده و مداوم بر نظام مالیاتی ایران سایه افکنده و تأثیرات قابل توجهی بر آن داشته، مقوله تورم و اختلالات مالیاتی ناشی از آن در نظام اقتصادی است. کشورهای توسعه‌یافته با وجود نرخ‌های تورم پایین‌تر، در برهه‌هایی که دچار تورم نسبی بالا بوده‌اند، اهتمام ویژه‌ای نسبت به بررسی این مسئله و پیاده‌سازی راهکارهای عملیاتی داشته و ادبیات نظری جامعی را در این زمینه ایجاد کرده‌اند. متأسفانه علی‌رغم اهمیت و اثرگذاری بالای این موضوع در حکمرانی اقتصادی ایران، و نیز سطح بالای نرخ تورم ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته که همواره منتج به تشدید اختلالات مالیاتی و تحمیل هزینه‌های سنگین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

اقتصادی و اجتماعی شده، موضوع مسیرهای اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی، آنچنان که باید، مورد بررسی و توجه لایه‌های تقنینی و اجرایی کشور قرار نگرفته‌است.

از همین رو، سوال محوری در مورد این پژوهش، چگونگی اثر گذاری تورم بر نظام مالیاتی ایران است. به عبارت دیگر هدف این پژوهش بررسی نظام‌مند وتعیین منظومه قوانین متأثر از تورم، آسیب‌شناسی و تبیین اختلالات ایجاد شده و ارائه رویکردهای کلان مقتضی برای حل این مسئله اساسی است. به طور کلی مهم ترین اختلالاتی که تورم بر نظام مالیاتی ایجاد کرده عبارتند از:

۱. تغییر بار مالیاتی ناشی از تغییر ارزش حقیقی مقادیر ریالی موجود در قوانین که باعث ایجاد ناعدالتی شده‌است.

۲. کاهش درآمدهای دولت به دلیل تأخیر در پرداخت‌ها

۳. گسترش راه‌های فرار مالیاتی و تشدید شکاف مالیاتی که به دلیل ضعف قوانین در مواجه با خنثی‌سازی اثرات تورم به وجود آمده است.

در این پژوهش، در گام نخست، با اتکا به مطالعات محدود داخلی، بهره‌مندی از ظرفیت‌های خبرگانی و همچنین مرور پژوهش‌های خارجی، به بررسی و تبیین نحوه اثرگذاری تورم بر نظامات مالیاتی و آسیب‌های ناشی از آن پرداخته شده است.در این راستا، با تمرکز بر کتاب «طراحی و تدوین قانون مالیات» نوشته ویکتور ترونی[1] که دسته‌بندی جامع و مناسبی از شیوه‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی ارائه می‌دهد، کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی تبیین شده است. سپس، در گام دوم، بر اساس رویکردها و نتایج مطالعات گام نخست و با استفاده از الگوی مقاله ویلیام بیپی رابسون و الکساندر لورین با عنوان «تورم چگونه بار مالیاتی را افزایش می‌دهد»، به بررسی جامع قوانین مالیاتی ایران پرداخته شده است. در این بررسی، قوانین مالیاتی متاثر از تورم که ناشی از تغییر حقیقی ارزش ریالی هستند و نیز قوانین متاثر از مسئله تأخیر در پرداخت تعهدات، به عنوان

1. Victor Thuronyi

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

اساسی‌ترین اختلالات ناشی از تورم بر نظام مالیاتی ایران، به صورت تاریخی و نظام‌مند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند.[۱]

شایان ذکر است که در مطالعات و پژوهش‌های داخلی، به بررسی جامع اثرات منفی تورم بر نظام مالیاتی پرداخته نشده و به طریق اولی، پژوهشی در خصوص قوانین مالیاتی متأثر از تورم و اختلالات ناشی از آن به صورت جزئی انجام نشده است. بیشتر تحقیقات صورت‌گرفته در خصوص اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی، بر موضوع اثر تورم بر درآمد مالیاتی تمرکز داشته و بر سایر آثار تورم و همچنین قوانین نشئت‌گرفته از آن توجهی نشده است.

در پژوهش حاضر، در بخش دوم به بررسی پیشینه پژوهش بر اساس مطالعات داخلی و خارجی پرداخته شده است.

بخش سوم با عنوان «کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی» به تبیین ادبیات نظری پژوهش اختصاص یافته است. این بخش شامل سه زیربخش اصلی می‌باشد:

۱. مقادیر بیان‌شده بر اساس پول ملی: در این زیربخش، به چگونگی اثرگذاری تورم بر مقادیر بیان‌شده در قوانین مالیاتی مانند نرخ‌های مالیاتی، معافیت‌ها و سقف‌ها پرداخته می‌شود.

۲. فرسایش ارزش تعهدات: این زیربخش چگونگی اثرگذاری تورم بر تعهدات مالیاتی مؤدیان و کاهش ارزش واقعی این تعهدات را در طول زمان بررسی می‌کند.

---

۱. نکته حائز اهمیتی که در این مقاله باید مدنظر قرار گیرد، آن است که صحت یا عدم صحت قوانین موجود در نظام مالیاتی، موضوع و مسئله این پژوهش نیست. بلکه در این پژوهش، با فرض صحت قوانین در زمان وضع، هرگونه تغییر و تحولاتی که پس از آن رخ داده و مغایر با نظر قانونگذار در زمان تقنین باشد، به عنوان اختلال در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که تورم می‌تواند در برخی موارد، اثرات مثبتی بر نظام مالیاتی داشته باشد. با این حال، حتی اگر در مواردی شاهد اثرات مثبت تورم بر نظام مالیاتی باشیم، به دلیل اینکه این امر خارج از اراده قانونگذار است، آن را به عنوان یک اتفاق مثبت ارزیابی نخواهیم کرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۳. اثرات دیگر بر اندازه‌گیری پایه‌های مالیاتی: در این زیربخش، سایر کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی، مانند اثر تورم بر محاسبه سود و زیان شرکت‌ها و مالیات بر عایدی سرمایه مرور می‌شود.

در بخش چهارم تبعات منفی اختلالات ناشی از تورم از دو منظر دولت ومودیان مطرح می‌گردد. در این بخش، چگونگی اثر گذاری تورم بر دولت و مؤدیان به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

بخش پنجم به اختلالات ناشی از تورم بر نظام مالیاتی ایران اختصاص یافته است. این بخش شامل دو زیربخش اصلی می‌باشد:

۱. مقادیر ریالی موجود در قوانین: در این زیربخش، قوانین مالیاتی ایران که مقادیر ریالی در آنها ذکر شده و نیز اثرگذاری تورم بر این مقادیر مطالعه می‌شود.

۲. فرسایش ارزش تعهدات: این زیربخش، به چگونگی اثرگذاری تورم بر تعهدات مالیاتی مؤدیان در نظام مالیاتی ایران و کاهش ارزش واقعی این تعهدات در طول زمان می‌پردازد و در پایان، در بخش ششم، نتیجه‌گیری پژوهش ارائه می‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. مطالعات داخلی

تقی پور (۱۳۷۸)، به بررسی اثر وقفه‌های جمع‌آوری مالیات و تورم بر درآمدهای حقیقی مالیاتی دولت در ایران پرداخته است. در این پژوهش متوسط وقفه‌های جمع‌آوری برای کل مالیات در ایران ۱۶ ماه برآورد شده و حداقل زیان درآمدی را در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ به ترتیب ۳۶،۴۷،۲۶،۲۰،۲۳ درصد برآورد می‌کند. محاسبات ارائه‌شده مؤید آن است که ارزش واقعی درآمد مالیاتی به دلیل وجود تورم کاهش قابل توجهی پیدا می‌کند. برای جبران این زیان، سیاست‌های اصلاحی مانند اعمال جرایم سنگین بر تأخیرها، شاخص‌سازی تورمی و حذف معافیت‌های غیرضروری پیشنهاد می‌شود .

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

زمانی و کلانتری (۱۳۷۸) وقفه‌های مالیاتی و آثار منفی آن در اقتصاد ایران را اندازه‌گیری کرده‌اند. در نتیجه محاسبات‌شان، اثر تورم بر درآمد مالیاتی را منفی ارزیابی می‌کنند. همچنین به بررسی جزئی قوانین و دسته‌بندی مناسب انواع وقفه‌ها پرداخته‌اند. شایان ذکر است از زمان نگارش این پژوهش، قوانین به طور قابل توجهی دچار تغییر شده‌اند ونیازمند یازبینی مجدد هستند. همچنین این مقاله صرفاً از منظر وقفه‌های پرداخت، آثار تورم بر قوانین را مشخص نموده‌است و تغییرات ناشی از تورم بر آستانه‌ها را بررسی نمی‌کند. در پایان نیز ضمن ارائه راهکارهای مناسب جهت کاهش ارزش حاصل از وقفه‌ها، به منظور کاهش کسری بودجه، حذف وقفه‌های پرداخت را به عنوان راهکاری اساسی پیشنهاد می‌نماید.

پورمقیم و نعمت‌پور و موسوی (۱۳۸۴)، عوامل مؤثر بر سطح وصول درآمدهای مالیاتی در سیستم مالیاتی ایران و اثر تورم بر درآمدهای مالیاتی را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که به دلیل عدم وجود تعدیل تورمی در نظام مالیاتی ایران و نیز ساختار تورمی اقتصاد، افزایش تورم، درآمد مالیاتی را به سبب تأخیر دوره‌های پرداخت افزایش می‌دهد.

سپهردوست و باروتی (۱۳۹۵) به مطالعه اثر تورمی تانزی بر عملکرد نظام مالیاتی در ایران پرداخته و بر مبنای آمار سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۳ به بررسی اثرات بلندمدت و کوتاه‌مدت متغیرهای کلان بر عملکرد نظام مالیاتی مبادرت کرده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اثر بلند مدت و کوتاه مدت تورم بر عملکرد نظام مالیاتی منفی است.

منتظری و جعفری (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «متغیرهای کلان اقتصادی و درآمد مالیاتی در اقتصاد ایران» با استفاده از روش الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)، اثر تورم بر درآمد مالیاتی را منفی ارزیابی می‌کنند.

کرمی و مرشدزاده (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین تورم و مالیات بر درآمد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. تمرکز اصلی مطالعه بر تأثیرات تورم بر سود مشمول

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

مالیات شرکت‌ها در شرایطی است که محاسبات مالیاتی بر اساس حسابداری بهای تاریخی انجام می‌شود. از آنجا که کسور مالیاتی با نرخ تورم تعدیل نمی‌شود، در دوره‌های تورمی مقادیر استهلاک و بهای تمام‌شده موجودی کالای فروش‌رفته، کمتر از مقادیر واقعی محاسبه شده و در نتیجه سود اسمی شرکت‌ها بیشتر از سود واقعی نشان داده می‌شود. این امر موجب می‌شود که مالیات وضع‌شده بر شرکت‌ها بیشتر از مقدار واقعی در شرایط نبود تورم باشد.

مسئله‌ای که در اکثر مقالات داخلی حول موضوع اثر تورم بر نظام مالیاتی مورد بررسی قرارگرفته‌است، اندازه‌گیری تغییر درآمد مالیاتی ناشی از وجود تورم است. موضوعی که تاکنون در پژوهش‌ها به صورت جزئی مطالعه نشده، مشخص کردن قوانینی است که متأثر از تورم هستند. همچنین به اثرات دیگر تورم نظیر ایجاد ناعدالتی و تغییر بار مالیاتی برای مؤدیان توجهی نشده‌است. اما در این پژوهش سعی شده خلا پژوهش‌های موجود در این زمینه جبران و میزان اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی و ضرورت شاخص‌سازی تورمی بیش از پیش روشن شود.

۲-۲. مطالعات خارجی

مقاله «تورم و پایگاه مالیاتی جامع» که توسط پیتر دایموند در سال ۱۹۷۵ منتشر شده است، به تحلیل اثرات تورم بر سیستم‌های مالیاتی و پایه‌های مالیاتی می‌پردازد. دایموند در این مقاله استدلال می‌کند که تورم می‌تواند موجب تحریف در ارزیابی درآمدها و دارایی‌ها شود؛ چرا که بسیاری از سیستم‌های مالیاتی بر پایه مقادیر اسمی بنا شده‌اند و این امر ممکن است منجر به افزایش بار مالیاتی برای مؤدیان شود؛ حتی در شرایطی که درآمد واقعی آن‌ها تغییر نکرده باشد.

او تأکید می‌کند که این تحریفات می‌تواند منجر به نابرابری‌های مالیاتی شود و برای جلوگیری از آن، پیشنهاد می‌کند که پایه‌های مالیاتی به‌طور مداوم با نرخ تورم به‌روزرسانی شوند. دایموند از شاخص‌سازی مالیاتی به عنوان راه‌حلی برای تطبیق پایه‌های مالیاتی با تورم یاد می‌کند که می‌تواند

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

منجر به حفظ عدالت مالیاتی و جلوگیری از آثار منفی تورم بر مؤدیان گردد. او در نهایت بر اهمیت این اصلاحات برای تقویت کارایی و عدالت در سیستم‌های مالیاتی تأکید دارد.

کرین و نورزاد (۱۹۸۶) در مقاله با عنوان «تورم و فرار مالیاتی: یک تحلیل تجربی» به تحلیل تأثیر تورم بر فرار مالیاتی در ایالات متحده در بازه زمانی ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۱ می‌پردازند و نشان می‌دهند که افزایش نرخ تورم با رشد هم‌زمان فرار مالیاتی به صورت مطلق نسبی همراه است. نویسندگان تأکید دارند که نرخ‌های بالاتر مالیات بر درآمد به طور مستقیم باعث افزایش تمایل به فرار مالیاتی می‌شود. از سوی دیگر، عواملی مانند افزایش احتمال شناسایی و شدت جریمه‌ها و همچنین سهم دستمزد از درآمد، به کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند.

مقاله «خزش براکت: اثرات «بالا رفتن از مقطع» بر درآمد خانوارها» نوشته هورست ایمرول (۲۰۰۵) به بررسی پدیده «بالا رفتن از مقطع»[1] در نظام مالیاتی می‌پردازد که در آن افزایش درآمدهای اسمی به دلیل تورم، افراد را به مقاطع مالیاتی بالاتر سوق می‌دهد؛ بدون اینکه افزایش واقعی در قدرت خرید آنها رخ دهد. ایمرول نشان می‌دهد که این پدیده می‌تواند منجر به افزایش نرخ‌های مالیاتی و کاهش درآمدهای قابل تصرف خانوارها، به‌ویژه برای گروه‌های با درآمد متوسط شود. این مقاله همچنین بر لزوم شاخص‌سازی مقاطع مالیاتی به تورم تأکید دارد تا از اثرات منفی بالارفتن از مقطع جلوگیری شده و عدالت مالیاتی حفظ گردد. این تحلیل نشان می‌دهد که اصلاحات در سیاست‌های مالیاتی می‌تواند از افزایش غیرموجه بار مالیاتی برای اقشار مختلف جلوگیری نموده و کمک کند تا نرخ‌های مالیاتی با سطوح درآمد واقعی هم‌راستا باقی بماند.

در ادامه، بررسی‌ها نشان می‌دهند که با افزایش درآمد واقعی، فرار مالیاتی به‌طور مطلق بیشتر می‌شود؛ اما این افزایش در مقایسه با رشد درآمد در ابعاد نسبی کاهش می‌یابد. این یافته‌ها

1. Bracket Creep

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه تورم و سیاست‌های مالیاتی بر رفتار مؤدیان مالیاتی و همچنین بر کارآیی سیستم مالیاتی است که باید در طراحی سیاست‌های اقتصادی و مالیاتی به‌دقت مدنظر قرار گیرد.

بیر و گرفیث، کلم (۲۰۲۳) در مقاله با عنوان «انحرافات مالیاتی ناشی از تورم: آنها چه ماهیتی دارند؟ چگونه با آنها برخورد کنیم؟» به اثرات تورم بر سیستم‌های مالیاتی غیرخنثی پرداخته و نشان می‌دهند که حتی تورم‌های مورد انتظار پایین می‌تواند به افزایش نرخ‌های مؤثر مالیاتی و کاهش ارزش استهلاک منجر شود. این تغییرات باعث ایجاد انحرافات مالیاتی و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. نویسندگان تأکید می‌کنند که اقدامات سیاستی نظیر تنظیم مالیات بر مبنای نرخ‌های واقعی یا اصلاح استهلاک دارایی‌ها می‌تواند به کاهش این انحرافات کمک کند.

در گزارش «بنیاد مالیات اروپا» تحت عنوان «اثر تورم بالا بر درآمدهای مالیاتی در کشورهای اروپایی»، اثرات تورم بالا بر درآمدهای مالیاتی کشورهای اتحادیه اروپا بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که افزایش تورم در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به‌دلیل بحران انرژی ناشی از جنگ روسیه در اوکراین، مشکلات زنجیره تأمین و سیاست‌های پولی انبساطی به وجود آورده که در نهایت موجب افزایش درآمدهای مالیاتی شده است. این افزایش به‌ویژه از طریق پدیده‌ای به نام «کشیدن مالیاتی» یا «فیسکال درگ» رخ داده است. در این پدیده، با افزایش درآمدهای اسمی افراد، آن‌ها به براکت‌های بالاتر مالیاتی وارد می‌شوند بدون اینکه قدرت خرید واقعی آن‌ها افزایش یابد. این مسئله باعث شده است که فشار مالیاتی به‌ویژه بر اقشار کم‌درآمد افزایش یابد.

نتایج این گزارش تأکید می‌کند که بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا فاقد سازوکارهای تعدیل خودکار براکت‌های مالیاتی هستند که به‌طور مناسب با نرخ تورم تطابق داشته باشند. این مسئله به‌ویژه در کشورهای با نرخ تورم بالا، نابرابری اقتصادی را تشدید کرده‌است. در پایان، گزارش پیشنهاد می‌کند که برای کاهش اثرات منفی تورم بر بار مالیاتی، کشورهای اروپایی بایستی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

سیاست‌های مالیاتی خود از جمله اعمال تعدیل‌های خودکار در براکت‌های مالیاتی را اصلاح کنند تا از افزایش ناعادلانه مالیات‌ها جلوگیری شده و عدالت اقتصادی حفظ شود.

ویلیامبیپی رابسون و الکساندر لورین طی گزارشی که در آگوست ۲۰۲۳ منتشر شده با عنوان «تورم چگونه بار مالیاتی را افزایش می‌دهد»، به تحلیل تأثیرات تورم بر ارزش حقیقی آستانه‌های مالیاتی در کانادا می‌پردازند. نویسندگان نشان می‌دهند که بسیاری از آستانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی، مانند معافیت از مالیات بر درآمد و هزینه‌های قابل قبول سرمایه‌گذاری، به‌طور منظم با نرخ تورم تعدیل نمی‌گردند؛ که این امر منجر به کاهش ارزش حقیقی آنها و افزایش بار مالیاتی بر افراد و شرکت‌ها می‌شود. در این پژوهش، تورم به‌عنوان عاملی کلیدی که بدون تغییر در درآمد حقیقی، افراد و کسب‌وکارها را به دام مالیات‌های بیشتری می‌اندازد، شناسایی شده است.

براساس مقاله‌ای از هانسن، مسکال و پورس که در سال ۲۰۲۳ با عنوان «تأثیرات شاخص‌سازی و تورم بر طراحی نظام مالیاتی» منتشر شده، به بررسی اهمیت تطبیق اجزای نظام مالیاتی با نرخ تورم پرداخته شده است. نویسندگان بر این نکته تأکید دارند در شرایطی که شاخص‌سازی در نظام مالیاتی اعمال نمی‌شود، نرخ‌ها و آستانه‌های مالیاتی ثابت باقی می‌مانند، که این امر منجر به افزایش بار مالیاتی بر اقشار با درآمد پایین‌تر، تضعیف عدالت مالیاتی و افزایش نابرابری‌ها می‌گردد. علاوه بر این، مقاله به چالش‌های اجرایی شاخص‌سازی از جمله پیچیدگی‌های محاسباتی و هزینه‌های مرتبط با آن اشاره می‌کند. با این حال، نویسندگان بر ضرورت انجام اصلاحات ساختاری در طراحی نظام مالیاتی تأکید دارند تا فرآیند شاخص‌سازی در نرخ‌ها، آستانه‌ها و پایه‌های مالیاتی به‌طور مؤثر پیاده‌سازی شود.

با وجود تحت تأثیر قرارگرفتن اقتصاد ایران از تورم‌های بالا و مشکلات ناشی از اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی، پژوهش‌های لازم در جهت بررسی روش‌های مطلوب تعدیل قوانین مالیاتی با توجه به تورم و شرایط کشور صورت نگرفته است. لذا لازم است اولا قوانین مورد اصابت تورم

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

به صورت جزئی مشخص شود و در ادامه نیز راهکارهای خنثی‌سازی اثر تورم بر نظام مالیاتی در ایران ارائه شود.

۳. کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی

به طور کلی بر اساس نظریات مطرح شده تورم از سه طریق بر نظام مالیاتی اثر گذار است:

الف) مقادیر بیان شده به پول ملی در اثر تورم ارزش حقیقی خود را از دست می‌دهند. بنابراین قوانینی که در آن‌ها از واحد پول ملی استفاده شده و در آن کشور تورم وجود دارد دچار تغییرات می‌شوند.

ب)ایجاد فاصله بین ایجاد تعهدات و پرداخت بدهی است که بر اثر تورم باعث فرسایش تعهدات می‌شود.

ج) اختلال در محاسبه‌ی پایه‌های مالیاتی، که در محاسبه، ارزش تاریخی آن‌ها دخیل است (ترونی، ۲۰۰۰).

بر همین اساس در این بخش، به طور تفصیلی به بررسی و تشریح مسیرهای اثرگذاری و تغییر نظام مالیاتی به سبب وجود تورم خواهیم پرداخت. وجود تورم برای نظام مالیاتی اختلالاتی ایجاد می‌کند که می‌بایست برای کاستن از این اختلالات از روش‌های تعدیل مناسب استفاده شود. برای موفقیت و نتیجه‌بخش بودن فرایندهای تعدیل، لازم است که ماهیت و علل تحریف‌ها و اختلالات به وضوح درک شود.

۳-۱. مقادیربیان شده براساس پول ملی

یکی از راه‌های اثر گذاری تورم بر نظام مالیاتی تغییر ارزش حقیقی مقادیر ریالی موجود در قانون است. با گذشت زمان و وجود تورم بالا، قوانینی که در آن‌ها از مقادیر بر حسب پول ملی استفاده شده است دچار فرسایش شده و ارزش خود را از دست می‌دهند. بنابراین قوانینی که بر اساس مقادیر ریالی بیان شده‌اند به لحاظ ارزش حقیقی دچار تغییر می‌شوند. این در حالی است که مقننین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

در زمان قانون‌گذاری ارزش حقیقی مالیات را مدنظر داشته‌اند. پس زمانی که تورم بر سطح عمومی قیمت‌ها و ارزش حقیقی مقادیر موجود در قانون اثر می‌گذارد آنچه که اتفاق می‌افتد دور شدن از اهداف مقنن خواهد بود. استفاده از مقادیر ریالی معمولاً از چند طریق می‌تواند در قوانین وجود داشته باشد که عبارتند از:

۱-۱-۳. اثر تورم بر نظام‌های مالیاتی تصاعدی

در مالیات بر درآمدی که نرخ‌های آن تصاعدی است، تعیین نرخ مالیات با توجه به سطح درآمد مؤدی مشخص می‌شود. چنین ساختار قانونی برای مالیات بر درآمد شخصی تضمین می‌کند که در صورت عدم فرار، درآمدهایی که مشمول مالیات بالاتر هستند، مشمول نرخ‌های متوسط مالیاتی بالاتری خواهند بود. این مدل محقق‌کننده عدالت عمودی است، زیرا هدف توزیع مجدد درآمد را ارتقا می‌دهد و با اصل توانایی پرداخت مطابقت دارد. با توجه به اینکه آستانه‌های بالا و پایین، مشخص کننده نرخ هستند و بر اساس پول ملی بیان شده‌اند، تورم بر ارزش این آستانه‌ها تأثیر می‌گذارد و با گذشت زمان، تغییر ارزش حقیقی این مقادیر را شاهد خواهیم بود(ساویج و آلن،۱۹۷۴).

برای روشن شدن بهتر مسئله به ذکر مثالی می‌پردازیم. فرض کنیم نرخ گذاری به این صورت باشد که اگر فرد تا ۵ میلیون تومان درآمد داشته باشد باید با نرخ ۱۰ ٪ مالیات بدهد و درصورتی که بالاتر از ۵ میلیون تومان درآمد داشته باشد باید با نرخ ۲۰٪ مالیات بدهد. حال، اگر فردی را در نظر بگیریم که درآمد وی در سال اول ۴.۰۰۰/۹۰۰ تومان باشد باید مالیاتی بالغ بر ۴۹۰ هزار تومان پرداخت نماید و این درصورتی است که اگر درآمد این فرد، سال بعد با تورم ۲۰ درصدی همراه باشد(یعنی درآمد فرد به لحاظ حقیقی به اندازه سال قبل باشد)، درآمد اسمی وی ۵۸۸۰۰۰۰ تومان خواهد شد و مالیاتی که باید پرداخت کند با نرخ ۲۰درصد خواهد بود که معادل ۱.۰۰۰/۱۷۶ خواهد شد. بنابراین اگرچه درآمد حقیقی فرد افزایش نیافته ولیکن مالیاتی که پرداخت می‌کند

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۶۸۶هزار تومان بیش تر از دوره قبل خواهد بود که هم به صورت حقیقی و هم به صورت اسمی از مالیات دوره قبلی بیشتر است. بنابراین با توجه به اینکه فرد در طبقه نرخ بالاتر قرار می‌گیرد، اصطلاحا دچار خزش براکتی خواهد شد و این موضوع قدرت خرید فرد را نسبت به دوره قبل کاهش خواهدداد.

۲-۱-۳. مقادیر اعتبار مالیاتی و هزینه‌های قابل قبول

همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، مقادیر اعتبار مالیاتی و هزینه‌های قابل قبول بیان شده به پول ملی نیز بر اثر تورم، دچار کاهش ارزش خواهند شد. برای مثال اگر اعتبار مالیاتی مانند یارانه‌ها برای دهک‌های پایین درآمدی در نظر گرفته شود با توجه به اینکه ارقام ریالی هستند در صورتی که به صورت سالانه با توجه به تورم شاخص سازی نشود، ارزش آن‌ها به مرور زمان کاهش خواهد یافت. اعتبار مالیاتی به دو دلیل عمده وضع می‌شود :

۱. دولت‌ها برای تضمین حداقل معیشت افراد، از معافیت‌های مالیاتی به عنوان ابزاری حمایتی استفاده می‌کنند. با این حال، در شرایط تورمی، ثابت نگه داشتن مقادیر اسمی این معافیت‌ها، ارزش حقیقی آنها را کاهش می‌دهد. این امر، اثر سیاست تضمین حداقل درآمد را از بین می‌برد و تعداد مؤدیان مشمول مالیات را افزایش می‌دهد، به خصوص در طبقات پایین درآمد که بیشترین اتکا را به این معافیت‌ها دارند. برای مقابله با این چالش، دولت‌ها باید معافیت‌ها را به طور دوره‌ای بر اساس نرخ تورم تعدیل کنند یا از سیستم‌های معافیت پلکانی یا مالیات منفی استفاده کنند(ساویج و آلن،۱۹۷۴).

۲. زمانی که تورم وجود داشته باشد ارزش معافیت‌ها و اعتبارات در صورت عدم تغییر مقادیر ریالی کاهش خواهند یافت و هدایت بازیگران اقتصادی به سمت فعالیت‌های مولد که ارزش افزوده بالاتری دارند، محقق نخواهد شد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۳-۱-۳. میزان مالیات غیرمستقیم به ازای هر واحد

مالیات غیرمستقیم به ازای هر واحد، در واقع اشاره به بخش‌هایی از قانون دارد که مبالغ مالیات قابل پرداخت به ازای هر واحد محصول به واحد پول ملی مشخص می‌شود. برای مثال اگر عوارض شهرداری‌ها را به عنوان مالیات در نظربگیریم، عوارضی که برای خودرو گرفته می‌شود به ازای هر خوردو، مبلغ ریالی مشخصی دارد. بنابراین در صورتی که مبلغ آن تعدیل نشود، در طول زمانی که تورم وجود داشته باشد ارزش مبلغ مأخوذه کم خواهد شد.

۴-۱-۳. برخورداری از گردش مالی پایه، مبنای الزام به ثبت اطلاعات مالی

برای برخی از مالیات‌ها، سازمان‌های مالیاتی، حداقل گردش مالی (گردش مالی پایه) قرار می‌دهند تا مؤدیان واجد شرایط، وارد آن پایه مالیاتی شوند. برای مثال فرض کنید برای ثبت اطلاعات مالی در مالیات ارزش افزوده، فقط شرکت‌هایی به این کار ملزم‌اند که میزان فروششان از یک میلیارد تومان بالاتر باشد. دراین صورت شرط ثبت اطلاعات گردش مالی که بر مبنای پول ملی بیان شده به مرور زمان بر اثر تورم، ارزش حقیقی کمتری خواهد داشت.

۵-۱-۳. جریمه‌هایی که بر اساس پول ملی تعیین شده اند

در برخی از قوانین جریمه‌هایی که برای مؤدیان متخلف در نظر گرفته می‌شود بر اساس پول ملی و دارای مقادیر ثابتی است. بنابراین در صورت وجود تورم، ارزش حقیقی آن‌ها کم می‌شود و اهداف وضع جریمه (مانند بازدارندگی در برابر تخلف و یا احیانا ایجاد درآمد)که مد نظر مقنن بوده است، محقق نخواهد شد.

۲-۳. فرسایش ارزش تعهدات مالیاتی

مالیات، در واقع تعهدات مالیات‌دهندگان به دولت است. تورم ارزش این تعهدات را به دلیل تأخیر در وصول (تفاوت بین زمان ایجاد تعهد مالیاتی یعنی زمانی که رویداد مشمول مالیات رخ می‌دهد

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

و زمانی که مالیات پرداخت می‌شود) کاهش می‌دهد. با تأخیر در وصول تعهدات مالیاتی، اثر تورم بر تعهدات باعث کم ارزش شدن تعهدات می‌شود و به تبع آن، درآمد دولت کاهش می‌یابد (تانزی،۱۹۷۷).

برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر در خصوص فرسایش ارزش تعهدات مالیاتی، ضروری است به تفکیک و بررسی نوع وقفه‌ها بپردازیم. تانزی بر مبنای قانون، تأخیر در پرداخت مالیات را به دو بخش تأخیرقانونی وتأخیرغیرقانونی تقسیم می‌کند. عاملی که این تفکیک را ایجاد کرده، وجود جریمه یا عدم وجود جریمه است. به این معنا که اگر به وقفه‌ای جریمه تعلق گیرد وقفه غیرقانونی و در صورتی‌که به آن جریمه‌ای تعلق نگیرد و مؤدی مخیر به وقفه در پرداخت باشد، وقفه قانونی است.

۱-۲-۳. وقفه‌های قانونی

وقفه‌های قانونی مالیاتی، به فاصله زمانی بین «تحقق درآمد (زمان کسب درآمد مشمول مالیات)» و «موعد مقرر قانونی پرداخت مالیات» گفته می‌شود. در این بازه زمانی، مؤدیان مالیاتی مختارند که مالیات خود را پرداخت کنند یا پرداخت آن را بدون اینکه مشمول جریمه‌ای به دلیل عدم پرداخت شوند، به تعویق بیندازند. این مسئله یعنی در صورت وجود تورم بالا و وقفه‌ی طولانی، به صورت قانونی اجازه پرداخت کمتر به مؤدیان داده شده است (ثانی،۱۳۹۲).

۲-۲-۳. وقفه‌های غیر قانونی

به وقفه‌ای که مؤدیان در پرداخت مالیات دارند و به سبب آن ملزم به پرداخت جریمه شوند، وقفه غیرقانونی گفته می‌شود. تأخیر در پرداخت تعهدات مالیاتی معمولاً در شرایط تورمی بیشتر اتفاق می‌افتد؛ چراکه منافع حاصل از تعویق به دلیل کاهش ارزش بدهی افزایش می‌یابد و هرچه میزان تورم و طول وقفه افزایش پیدا کند، منفعت تأخیر برای مؤدیان افزایش خواهدیافت (ثانی،۱۳۹۲).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

در این مسئله، میزان و نحوه‌ی وصول جریمه‌ها در استفاده مؤدیان از این نوع وقفه‌ها بسیار اثرگذار می‌باشـــد. چراکه در صـــورت وجود جریمه‌های بازدارنده می‌توان از بروز وقفه‌های غیرقانونی جلوگیری کرد.

۳-۳. اثرات دیگر بر اندازه گیری پایه مالیاتی

هنگامی که پایه مالیاتی با واحدهای تاریخی اندازه‌گیری می‌شود، تورم، اندازه‌گیری پایه مالیاتی را مخدوش می‌کند. یکی از پایه‌های مالیاتی که در آن قیمت‌های تاریخی در محاسبه درآمد مشمول مالیات مؤدی اثرگذار است، مالیات بر عایدی سرمایه است. در مالیات بر عایدی سرمایه، اختلاف قیمت خرید و فروش اموال مشمول این پایه مالیاتی را به عنوان عایدی در نظر می‌گیرند و سپس با نرخ مشخص از عایدی به دست آمده مالیات گرفته می‌شود.

در شرایط تورمی، عایدی حقیقی سرمایه می‌تواند منفی گردد؛ به طوری که نتوان آن را براساس تعریف کلاسیک درآمد، جزئی از درآمدهای مؤدی تلقی نمود. در شرایط تورمی، سود واقعی سرمایه می‌تواند از بین برود و دیگر جزو درآمدهای مشمول مالیات محسوب نشود. به بیان ساده‌تر، افزایش قیمت کالاها در دوران تورم، ارزش اسمی سرمایه را بالا می‌برد و این امر به افزایش سود اسمی سرمایه و در نتیجه، افزایش درآمد مشمول مالیات مؤدی منجر می‌شود. با این حال، از آنجا که فقط ارزش اسمی دارایی مؤدی افزایش یافته و قدرت خرید واقعی او تغییری نکرده است، نمی‌توان این افزایش را نوعی سود واقعی برای او در نظر گرفت و در نتیجه انتظار مالیات برای آن را داشت (تانزی، ۱۹۸۰).

برای تبیین بهتر مسأله به ذکر مثالی از مالیات بر عایدی سرمایه می‌پردازیم. فردی را در نظر بگیریم که دو سال قبل با مبلغ ۲۰ میلیارد ریال اقدام به خرید مسکن کرده‌است و پس از گذشت دوسال تصمیم به فروش بگیرد. در صورتی که تورم دوساله برابر با ۵۰ درصد باشد، مسکن را با قیمتی معادل ۳۰ میلیارد ریال به فروش می‌رساند. این در حالی است که این مسکن از نظر ارزش حقیقی تغییری نداشته است و حتی به دلیل وجود استهلاک ارزش حقیقی آن نیز کاهش می‌یابد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

بر این اساس اختلاف مبلغ خرید(که بر اساس قیمت تاریخی است) و مبلغ کنونی فروش، مشمول مالیات بر عایدی سرمایه می‌شود. درحالی که عایدی حقیقی مسکن خریداری شده، برابر با تغییر قیمت نسبی مسکن خریداری شده به اضافه‌ی استهلاک آن بوده است. بنابراین تورم در محاسبه حقیقی این پایه مالیاتی اختلال ایجاد خواهد کرد.

پایه دیگری که قیمت‌های تاریخی در محاسبه مقدار مشمول مالیات مؤثر است، مالیات بر درآمد شرکت‌ها است. در محاسبه سود شرکت‌ها، درصدی از قیمت خرید دستگاه‌ها را به عنوان استهلاک و هزینه قابل قبول برای هر سال در نظر می‌گیرند. درصورتی‌که برای محاسبه استهلاک حقیقی دستگاه می‌بایست قیمت اسمی با توجه به تورم هر سال به نحوی که ارزش حقیقی دستگاه مانند سال خریدش باشد محاسبه شود. چراکه در صورت وجود تورم به دلیل کاهش ارزش حقیقی مبلغ خرید، مبلغ هزینه قابل قبول نیز کاهش می‌یابد و کم‌برآوردی در هزینه برای بنگاه رخ خواهد داد و بدین ترتیب بنگاه‌ها با ضرر مواجه خواهند شد.

۴. تبعات منفی اختلالات ناشی از تورم بر نظام مالیاتی

برای تصمیم‌گیری در خصوص تعدیل‌سازی یا عدم تعدیل‌سازی تورم در نظام مالیاتی توسط سیاستگذران ضروری است که میزان و نحوه اثر گذاری تورم اندازه گیری و مشخص شود. تعدیل‌سازی تورم و یا شاخص‌سازی قیمت‌ها برای کاهش اثرات منفی تورم، خود دارای هزینه‌هایی است. بنابراین برای تصمیم‌گیری نهایی باید هزینه‌های حاصل از تعدیل و عدم تعدیل تورم با یکدیگر مقایسه شوند تا بتوان به نتیجه‌ی مطلوب در خصوص تعدیل‌سازی دست یافت. هزینه‌های تورم با توجه به کانال اثرگذاری آن بر نظام مالیاتی متفاوت است بنابراین در ادامه با توجه به کانال اثرگذاری تورم، در هر بخش اثر تورم بر مؤدیان و دولت به تفکیک مورد بررسی خواهد گرفت. در قسمت آخر این بخش نیز تغییر بار مالیاتی مؤدیان که بدلیل وجود تورم و اثر تجمیعی آن از کانال‌های مختلف اثرگذاری وجود دارد مورد توجه قرار می‌گیرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۱-۴. مقادیر بیان شده بر اساس پول ملی

۱-۱-۴. نحوه اثر گذاری بر دولت

اثرات تورم بر درآمد دولت با توجه به میزان اعمال و تمکین مالیاتی متفاوت است. در نظام مالیات بر درآمد تصاعدی با کاهش ارزش آستانه‌ها نرخ مؤثر مالیات بر درآمد افزایش و همچنین ارزش حقیقی معافیت‌ها و اعتبارات مالیاتی کاهش می‌یابد؛ بنابراین در صورتی که میزان اعمال مالیاتی تغییر نکند میزان درآمد دولت افزایش خواهد یافت ولی با توجه به اینکه تعداد مؤدیانی که سازمان امور مالیاتی با آن‌ها رو به رو خواهد شد به مراتب افزایش خواهدیافت. از همین‌رو، حداقلی‌ترین اثر این موضوع، ازدیاد تعداد مؤدیان و عدم تمرکز سازمان امورمالیاتی بر مؤدیان با تمکن مالی بالاتر و استحقاق بیشتر برای پرداخت مالیات خواهد شد. بنابراین میزان اثر گذاری تورم بر درآمد دولت با توجه به ساخت نهادی نظام‌های مالیاتی مختلف، متفاوت است. در شرایطی که نظام مالیاتی از ظرفیت بالای ممیزی و نیز شناسایی فرار و اجتناب مالیاتی برخوردار باشد و احتمال کشف فرار مالیاتی را برای مؤدیان خاطی افزایش دهد، این افزایش نرخ می‌تواند آثار اندکی بر عدم تمکین در پرداخت مالیات داشته باشد؛ همچنین درآمد مالیاتی نیز برای دولت افزایش خواهد یافت. در کشورهایی که دارای نظام مالیاتی فراگیر هستند (به نحوی که اغلب پایه‌های درآمدی، مشمول مالیات بر مجموع درآمد می‌گردند)، شرایط تورمی می‌تواند آثار کمتری بر اجتناب مالیاتی داشته‌باشد. با این وجود، این مسئله در کشورهای در حال توسعه می‌تواند متفاوت باشد؛ چرا که ظرفیت‌های مالیات‌ستانی در کشورهای در حال توسعه به نسبت سایر کشورها ضعیف‌تر است. بنابراین افزایش میانگین نرخ مؤثر مالیاتی می‌تواند سبب افزایش انگیزه فرار و اجتناب مالیاتی گردد (نورزاد و کرین،۱۹۸۶).

در خصوص برخورداری از گردش مالی پایه بر مبنای پول ملی با توجه به کاهش ارزش حقیقی مقادیر ریالی در طی زمان، دولت با مؤدیانی روبرو خواهد شد که جزو اهداف قانون‌گذار

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

در زمان تصویب قانون نبوده‌اند. در نتیجه این امر منجر به عدم تمرکز سازمان مالیاتی و در نتیجه افزایش هزینه‌ها به ازای درآمد مشخص مالیاتی برای دولت خواهد شد. علاوه بر آن تورم در این موضوع باعث ایجاد هزینه‌ی اجتماعی و ایجاد نارضایتی نیز می‌گردد.

در خصوص جریمه‌هایی که بر اساس پول ملی بیان شده‌اند، در صورت وجود تورم ارزش حقیقی جریمه‌ها کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه قانون‌گذار در زمان قانون‌گذاری با نظر به میزان خسارت و آسیب‌های هر فعالیت، جریمه‌ی آن را مشخص کرده است، اگر میزان ارزش جریمه کمتر شود در واقع بدان معنی است که میزان آسیب از میزان درآمدی که به ازای آن آسیب به نظام مالیاتی می‌رسد، بیشتر خواهد بود. بنابراین یکی از آثار کاهش ارزش حقیقی جریمه می‌تواند افزایش تعداد جریمه‌ها باشد؛ لیکن با توجه به نکات بیان شده، در مجموع درآمد مالیاتی را کاهش می‌دهد و مهم‌تر از آن بازدارندگی قانون را نیز کاهش خواهد داد.

۲-۱-۴. نحوه اثرگذاری بر مودیان

در نظام مالیات بر مجموع درآمد تصاعدی، تورم باعث کاهش ارزش واقعی آستانه‌های براکت‌های مالیاتی می‌شود. به این معنا که با وجود ثابت ماندن درآمد حقیقی مؤدی، به دلیل تورم، درآمد اسمی او افزایش می‌یابد و این امر او را به طبقات بالاتر درآمدی و در نتیجه به نرخ‌های مالیاتی بالاتر سوق می‌دهد. به طور خلاصه، تورم منجر به افزایش نرخ مؤثر مالیات بر درآمد برای مؤدیان می‌شود.

برای درک بهتر این موضوع، می‌توان به اولین طبقه نرخ‌گذاری مالیاتی اشاره کرد. این طبقه معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شود که افراد با درآمد پایین‌تر از حداقل معیشت، مشمول مالیات نشوند. با این حال، در شرایط تورمی، اگر نرخ تورم به اندازه‌ای بالا باشد که فرد را به طبقات بالاتر درآمد اسمی منتقل کند، حتی افراد با درآمد پایین‌تر از حداقل معیشت نیز مجبور به پرداخت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

مالیات خواهند شد (تانزی، ۱۹۸۰). این اثر یعنی پرداخت مالیات توسط افرادی که توان پرداخت مالیات را ندارند و مستحق پرداخت مالیات نیستند.

در خصوص برخورداری از گردش مالی پایه بر مبنای پول ملی با توجه به کاهش ارزش حقیقی مقادیر ریالی، در طی زمان مؤدیان بیشتری با پایه‌های مالیاتی مانند مالیات بر ارزش افزوده روبرو خواهندشد و اقداماتی که مؤدیان باید در قبال سازمان انجام دهند افزایش می‌یابد. همچنین اثر مثبتی به دلیل پایین‌بودن مقدار واقعی سطح گردش مالی برای دولت نخواهند داشت و فقط باعث ایجاد هزینه برای مؤدیان خواهد شد.

جریمه‌های ریالی که بر اثر تورم با کاهش ارزش روبرو می‌شود موجب می‌شود مؤدیان برای انجام اعمال خلاف قانون مالیاتی هزینه کمتری بپردازند در نتیجه مؤدیان به سمت فعالیت‌های غیرمجاز از جهت قانون حرکت خواهند نمود.

۲-۴. فرسایش ارزش تعهدات مالیاتی

به طور کلی وجود وقفه‌های پرداخت در زمانی که کشوری با تورم روبرو باشد باعث ایجاد آسیب‌هایی برای دولت و مؤدیان می‌شود. در دو بخش دولت و مؤدیان اینگونه آسیب‌ها مطرح خواهند شد:

۱-۲-۴. نحوه اثرگذاری بر دولت

- **کاهش ارزش حقیقی درآمدهای مالیاتی:** در صورت وجود تورم سطح بالا و تأخیر در پرداخت تعهدات، ارزش حقیقی پرداختی تعهدات برای دولت کاهش خواهدیافت. پرداخت سریع‌تر تعهدات مالیاتی توسط مؤدیان، به دولت‌ها امکان می‌دهد منابع را سریع‌تر به مخارج بودجه‌ای خود اختصاص دهند. این امر در نهایت منجر به کاهش بار مالی هزینه‌های دولت می‌شود، چرا که هزینه‌های دولت نیز در شرایط تورمی افزایش می‌یابد. اگرچه برخی معتقدند که فشار هزینه‌های بودجه‌ای دولت ناشی از تورم، کمتر از فشار هزینه‌های تورم بر مردم

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

است(ثانی،۱۳۹۲). بنابراین وقفه در پرداخت‌ها باعث می‌گردد تخصیص با تأخیر روبرو شده و هزینه‌های برآوردی اجرای برنامه‌های دولت که در بودجه آمده، برای تأمین کامل پروژه‌ها کافی نباشد.

- **کاهش انگیزه پرداخت مالیات:** وجود امکان تأخیر در پرداخت مالیات و طولانی بودن بازه‌های پرداخت، انگیزه افراد برای پرداخت به موقع مالیات را کاهش می‌دهد. دلایل این کاهش انگیزه عبارتند از:
  - مزایای نقدینگی: افراد ترجیح می‌دهند از نقدینگی خود برای مصارف دیگر مانند سرمایه‌گذاری یا پرداخت سایر بدهی‌ها استفاده کنند تا اینکه آن را به عنوان مالیات به دولت پرداخت کنند.
  - فقدان انگیزه‌های مثبت: در بسیاری از موارد، سیستم‌های مالیاتی فاقد انگیزه‌های مثبت برای پرداخت به موقع مالیات هستند. به عنوان مثال، ممکن است تخفیفی برای پرداخت زودهنگام در نظر گرفته نشود و یا جریمه‌های تأخیر به اندازه کافی بازدارنده نباشند.
- **حرکت دولت به سمت اتخاذ تصمیمات تورم‌زا برای جبران کسری بودجه:** مجموعه اثرات منفی ناشی از تأخیر در پرداخت مالیات، منجر به کاهش ارزش درآمد مالیاتی دولت می‌شود. این امر خود می‌تواند باعث ایجاد کسری بودجه شود. یکی از در دسترس‌ترین راه‌های جبران کسری بودجه، استفاده از خلق پول است که منجر به تورم می‌گردد. تورم به نوبه خود آسیب‌های ذکر شده در خصوص انگیزه پرداخت مالیات و فشار روانی ناشی از انباشت بدهی‌های مالیاتی را تشدید می‌کند و باعث ایجاد چرخه‌ای از تورم و مشکلات مالیاتی می‌شود(ثانی،۱۳۹۲).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۲-۲-۴. نحوه اثرگذاری بر مودیان

مؤدیانی که بتوانند بدون اینکه مشمول جریمه شوند با تأخیر پرداخت کنند، پرداخت کمتری را خواهند داشت؛ بنابراین از منظر مؤدیان این نکته می‌تواند در نگاه اول مثبت باشد ولی دارای آسیب‌هایی نیز برای مؤدیان است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

تبعیض میان مؤدیان مالیاتی: یکی از چالش‌های نظام‌های مالیاتی، نابرابری در زمان پرداخت مالیات بین مؤدیان مختلف است. این نابرابری به این معنا است که در برخی از پایه‌های مالیاتی، امکان تأخیر در پرداخت وجود ندارد؛ در حالی که در برخی دیگر، این امکان در مراحل مختلف محاسبه و پرداخت مالیات وجود دارد. به عنوان مثال، مالیات حقوق، به ویژه برای کارکنان دولت، باید به طور کامل و بدون تأخیر پرداخت شود. در مقابل، در مواردی مانند مالیات بر شرکت‌ها، امکان تأخیر در پرداخت در مراحل مختلف محاسبه و پرداخت مالیات وجود دارد (زمانی و کلانتری، ۱۳۷۸).

این نابرابری در زمان پرداخت مالیات، می‌تواند به تبعیض در رفتار با مؤدیان مختلف منجر شود. مؤدیانی که امکان تأخیر در پرداخت مالیات را دارند، از مزایای دسترسی بیشتر به نقدینگی برخوردار می‌شوند و می‌توانند از این مزایا برای سرمایه‌گذاری یا سایر فعالیت‌های اقتصادی خود استفاده کنند. این در حالی است که در شرایط تورمی ارزش مالیات پرداختی آن‌ها نیز کمتر خواهد شد. در مقابل، مؤدیانی که امکان تأخیر در پرداخت مالیات را ندارند، ممکن است با مشکلات نقدینگی و چالش‌های مالی روبرو شوند. بنابراین عدالت افقی خدشه دار خواهد شد. به منظور رفع این تبعیض، لازم است نظام مالیاتی به گونه‌ای اصلاح شود که شرایط یکسانی برای همه‌ی مشمولان پرداخت مالیات، ایجاد گردد.

ایجاد فشار روانی ناشی از انباشت بدهی‌های مالیاتی: انباشت بدهی‌های مالیاتی به دلیل وجود امکان تأخیر در پرداخت مالیات و طولانی بودن بازه‌های پرداخت، فشار روانی و مالی زیادی را به مؤدیان تحمیل می‌کند. دلایل این فشار روانی عبارتند از:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

- نگرانی از افزایش بدهی: هر چه زمان پرداخت مالیات به تعویق بیفتد، به همان اندازه بدهی مالیاتی نیز افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند برای مؤدیان نگران‌کننده باشد، به ویژه اگر با مشکلات مالی روبرو باشند.
- ترس از جریمه: در صورت عدم پرداخت به موقع مالیات، جریمه‌هایی برای مؤدیان در نظر گرفته‌می‌شود. این جریمه‌ها به سبب بار مالی و تبعات دیگر آن، می‌تواند منجر به ایجاد بار روانی سنگینی برای مؤدیان گردد.
- مشکلات در برنامه‌ریزی مالی: انباشت بدهی‌های مالیاتی می‌تواند برنامه‌ریزی مالی را برای مؤدیان دشوار کند. آنها ممکن است مجبور شوند برای پرداخت بدهی‌های خود از سایر هزینه‌ها صرف نظر کنند و یا برای تأمین نقدینگی وام بگیرند (زمانی و کلانتری، ۱۳۷۸).

۳-۴. تغییر بار مالیاتی

تورم، بار مالیاتی را به طور نابرابر بر افراد با سطح درآمدی متفاوت و اقشار مختلف جامعه توزیع می‌کند. این امر عدالت مالیاتی را خدشه‌دار می‌کند و ضرورت اصلاح نظام مالیاتی را بیش از پیش یادآور می‌شود. به طور کلی، دلایل ناهمگونی بار مالیاتی در اثر تورم عبارتند از:

- تفاوت در سبد درآمدی افراد: افراد با سطوح درآمدی مختلف، منابع درآمدی متفاوتی دارند و پایه‌های مالیاتی متفاوتی به آنها تعلق می‌گیرد. این امر می‌تواند منجر به تفاوت در میزان اثر تورم بر بار مالیاتی افراد مختلف شود.
- عرض طبقات درآمدی: هر چه عرض طبقات درآمدی بزرگتر باشد، احتمال جابجایی مؤدیان به طبقات بالاتر به دلیل افزایش درآمد اسمی کمتر خواهد بود. در نتیجه، افزایش نرخ مالیاتی برای تعداد کمتری از افراد اتفاق می‌افتد(ساویج و آلن،۱۹۷۴).
- سرعت افزایش نرخ مالیاتی: نکته حائز اهمیت آن است که سرعت افزایش نرخ مالیاتی در طبقات مختلف درآمدی می‌تواند بر توزیع بار مالیاتی اثرگذار باشد. اگر سرعت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

افزایش نرخ‌ها به صورت منظم و یکسان باشد، توزیع بار مالیاتی عادلانه‌تر خواهد بود(ساویج و آلن،۱۹۷۴).

- معافیت‌ها و هزینه‌های قابل قبول: معافیت‌ها و هزینه‌های قابل قبول در نظام مالیاتی، بر بار مالیاتی افراد اثر می‌گذارند. کاهش ارزش این معافیت‌ها و هزینه‌های قابل قبول مالیاتی در اثر تورم، به اقشار کم‌درآمد که از آنها بیشتر بهره‌مند می‌شوند، آسیب بیشتری می‌رساند(تانزی، ۱۹۸۰).

۵. اختلالات ناشی از تورم بر قوانین مالیاتی در ایران

در بخش گذشته نحوه اثر گذاری تورم بر نظام مالیاتی از مسیرهای مختلف با توجه به ادبیات و مبانی نظری موجود بررسی شد. بر همین اساس در این بخش به بررسی قوانین مالیاتی متأثر از تورم در ایران پرداخته می‌شود.

بررسی نظام‌مند قوانین مالیاتی ایران را با توجه به کانال‌ها و مسیرهای اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی که در بخش قبل به تفضیل مطرح گردید، به صورت جداگانه و با روشی متناسب با هر بخش بررسی خواهیم کرد. قسم اول قوانینی است که درآن‌ها ارقام بر حسب پول ملی دخیل هستند. نحوه بررسی این قسمت بدین صورت است که تغییرات تاریخی قوانین و مقادیر مربوطه را بیان و پس از آن تورم بازه‌ی بین دو تغییر را با استفاده از داده‌های بانک مرکزی بدست خواهیم آورد؛ سپس میزان تغییرات ارقام قوانین مربوطه را با میزان تورم بازه مقایسه خواهیم نمود. بررسی را از سال ۹۴ آغاز می‌کنیم چراکه در سال ۹۴ اصلاحات اساسی در قوانین مالیاتی شکل گرفت وشاهد تغییرات گسترده‌ای در قوانین از سوی قانون‌گذار بودیم. بنابراین قوانین قبل از آن کمک شایانی به بررسی این موضوع نخواهد کرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۱-۵. مقادیر بیان شده بر اساس پول ملی

با توجه به دسته بندی صورت گرفته در بخش پیشین، اولین بخش مورد پژوهش، اثر تورم بر نظام‌های مالیاتی تصاعدی است. قوانین این بخش مربوط به نرخ مالیات بر درآمد است که در قسمت ۳.۱/۱ این پژوهش مطرح گردید.

در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ نرخ‌های مالیات بر درآمد اشخاص به شرح ذیل تصویب شده است:

ماده ۱۳۱: نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد به شرح زیر است:

۱. تا میزان پانصد میلیون (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ پانزده درصد (۱۵٪).

۲. نسبت به مازاد پانصد میلیون (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا میزان یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ بیست درصد (۲۰٪).

۳. نسبت به مازاد یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪).

تبصره: به ازای هر ده درصد (۱۰٪)افزایش درآمد ابرازی مشمول مالیات اشخاص موضوع این ماده نسبت به درآمد ابرازی مشمول مالیات سال گذشته آنها، یک واحد درصد و حداکثر تا پنج واحد درصد از نرخهای مذکور کاسته می‌شود. شرط برخورداری از این تخفیف تسویه بدهی مالیاتی سال قبل و تسلیم اظهارنامه مالیاتی مربوطه در مهلت اعلام شده از سوی سازمان امور مالیاتی است.

پس از آن این قانون در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۹ تغییر کرد و ارقام ریالی ۴ برابر شد. به عبارت دیگر، ۵۰ میلیون تومان به ۲۰۰ میلیون تومان و ۱۰۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان تغییر کرده‌است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

بازه‌ای که ارقام ریالی این قانون تغییر نکرده، از تیرماه ۱۳۹۴ تا مرداد ماه ۱۴۰۱ بوده است. از همین‌رو میخواهیم محاسبه کنیم هر ساله چه میزان از قدرت خرید مؤدیان کم شده ولی در مقابل، مقدار درصد مالیاتی که باید بپردازند به همان مقدار قبلی است و تغییری نکرده‌است. از تیرماه ۹۴ تا تیر ماه ۹۵ شاخص قیمت مصرف‌کننده بر مبنای سال پایه ۱۴۰۰ از ۲۶/۱ به ۲۷/۸ رسیده است. یعنی اگر درآمد اسمی فردی ثابت بماند قدرت خرید خود را به اندازه ۶/۵ درصد در یکسال از دست داده‌است. به عبارت دیگر اگر قدرت خرید مؤدی ثابت بماند، مقادیر اسمی درآمد فرد به اندازه ۶/۵ درصد افزایش خواهد داشت، اما در مقابل، آستانه ریالی نرخ‌ها ثابت هستند. یعنی مؤدیان به تدریج با نرخ مالیاتی بالاتری رو به رو خواهند بود. به همین ترتیب از تیر ماه ۹۴ تا تیر ماه ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۴۰۰و ۱۴۰۱ شاخص قیمت مصرف کننده از ۲۶/۱ به ترتیب به ۳۰/۱ ، ۳۴/۳، ۵۰/۷، ۶۴/۴، ۹/ ۹۲و ۱۳۸/۵ رسیده است و این یعنی به ترتیب سال‌های گفته شده برای حفظ قدرت خرید قبل باید به ترتیب ۱۵/۳، ۳۱/۴، ۹۴، ۱۴۶، ۲۵۶و ۴۳۱ درصد هر سال نسبت به سال ۹۴ به درآمد اسمی آن‌ها افزوده شود که در این‌صورت افراد بسیار زیادی در بالاترین پلکان‌های نرخ قرارخواهند گرفت. با فرض اینکه قانون‌گذار با توجه به ارزش ریالی سال ۱۳۹۴ آستانه‌های درآمد و نرخ‌های مربوط به هر یک را مشخص کرده، بر همین اساس اگر می‌خواستیم نرخ‌ها را در سطح قدرت خرید سال ۱۳۹۴ حفظ نماییم، می‌بایست سالانه به میزان همان تورم، حدود آستانه‌ها را شاخص‌سازی می‌کردیم. این درحالی است که شاخص سازی پس از ۷ سال صورت گرفته و شاخص سازی صورت‌گرفته نیز ناقص است. چراکه اگر اراده بر این بود که شاخص سازی کامل صورت گیرد، می‌بایست آستانه ۵۰ میلیون تومان به ۲۶۵ میلیون تومان و آستانه ۱۰۰ میلیون تومان به ۵۳۰ میلیون تومان تغییر می‌یافت. البته مسئله مهم‌تر آن است که پس از ۷ سال این شاخص‌سازی صورت‌گرفته و نرخ مؤثر مالیات، هر ساله افزایش یافته‌است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

از نرخ‌های دیگر مالیات بر درآمد اشخاص که دارای نرخ جداگانه است و در ماده ۱۳۱ نیز به عنوان استثنائات گفته شده، مالیات بر درآمد حقوق است که در ماده ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم آمده است :

- ماده۸۵) نرخ مالیات بر درآمد حقوق کارکنان دولتی و غیردولتی مازاد بر مبلغ مذکور در ماده (۸۴) این قانون و تا هفت برابر آن مشمول مالیات سالانه ده درصد(۱۰٪) و نسبت به مازاد آن بیست درصد (۲۰٪) است.

در ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم نیز تصریح شده‌است:

- ماده۸۴) میزان معافیت مالیات بر درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق از یک یا چند منبع، هرساله در قانون بودجه سنواتی مشخص می‌شود.

از همین‌رو در ادامه، میزان تغییرات معافیتی که هر ساله در بودجه سنواتی مشخص می‌شود را اندازه‌گیری می‌کنیم و سپس به مقایسه با تورم می‌پردازیم تا مشخص کنیم چه نوعی از شاخص‌سازی مورد استفاده قرار گرفته است.

طبق تبصره ۶ بند(الف) قانون بودجه سال ۹۵ ، سقف معافیت مالیاتی ۱۵.۰۰۰/۶۰۰ تومان در سال تعیین گردیده است. طبق تبصره ۶ بند(الف) قانون بودجه سال ۹۶ سقف معافیت مالیاتی ۲۴.۰۰۰/۰۰۰ تومان در سال مشخص شده‌است و همچنین آستانه بالای نرخ ۱۰٪ از ۷ برابر سقف معافیت به ۵ برابر کاهش یافته‌است. به عبارت دیگر، سقف معافیت ۵۳٪ افزایش یافته و این درحالی است که نرخ تورم سال ۹۵، معادل ۶٪ بوده‌است. بنابراین قانون‌گذار سقف معافیت را افزایش و عرض پلکان نرخ ۱۰٪ را کاهش داده است.

طبق تبصره ۶ بند(الف) قانون بودجه سال ۹۷، سقف معافیت مالیاتی ۲۷.۰۰۰/۶۰۰ تومان در سال تعیین گردیده‌است. یعنی سقف معافیت نسبت به سال ۹۶، ۱۵٪ افزایش یافته و این درحالی است که تورم سال ۹۶، معادل ۸٪ بوده‌است. لازم به ذکر است نرخ پلکان‌های درآمدی نیز در این

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

تبصره، بدون توجه به اصل ماده‌های ۸۴ و ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم طور کامل تغییر کرده‌است. این اصل تصریح می‌کند در قانون بودجه می‌بایست سقف معافیت تعیین شود. نرخ‌های درآمدی در این سال به شرح ذیل است:

مازاد بر مبلغ سقف معافیت تا سه برابر آن مشمول مالیات سالانه ده درصد(۱۰٪) و نسبت به مازاد سه برابر، تا چهار برابر آن مشمول مالیات سالانه پانزده درصد(۱۵٪) و نسبت به مازاد چهاربرابر، تا شش برابر بیست و پنج درصد(۲۵٪) و نسبت به مازاد شش برابر سی و پنج درصد(۳۵٪) تعیین می‌شود و این افزایش تعداد طبقات باعث خزش براکت توسط تورم بیش از پیش خواهد شد یعنی افراد به نرخ‌های بالاتر پرداخت مالیات هدایت خواهند شد.

طبق تبصره ۶ بند(الف) قانون بودجه سال ۹۸، سقف معافیت مالیاتی ۳۳.۰۰۰/۰۰۰ تومان در سال تعیین گردیده است. یعنی سقف معافیت نسبت به سال ۹۷، ۱۹٪ افزایش یافته و این درحالی است که تورم سال ۹۷، معادل ۲۶٪ بوده‌است. در این سال نیز نرخ‌های جدید درآمدی، بدون در نظر گرفتن ماده‌های ۸۴ و ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم تعیین شده که به شرح ذیل می‌باشد:

مازاد بر مبلغ سقف معافیت تا یک و نیم برابر آن مشمول مالیات سالانه ده‌درصد(۱۰٪) و نسبت به مازاد یک و نیم برابر تا دو و نیم برابر آن مشمول مالیات سالانه پانزده درصد (۱۵٪) و نسبت به مازاد دو و نیم برابر تا چهار برابر آن مشمول مالیات سالانه بیست‌درصد (۲۰٪) و نسبت به مازاد چهاربرابر تا شش‌برابر مشمول مالیات بیست و پنج‌درصد (۲۵٪) و نسبت به مازاد شش برابر سی و پنج‌درصد(۳۵٪) می‌باشد.

همان‌طور که مشخص است عرض براکت‌ها از سال قبل نیز کمتر شده که با افزایش تورم امکان خزش براکت نیز افزایش خواهدیافت. البته در سال ۹۷ و ۹۶ میزان افزایش معافیت از مقدار تورم آن سال بیشتر بوده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

طبق تبصره ۱۲ بند(الف) قسمت دوم قانون بودجه سال ۹۹، سقف معافیت مالیاتی ۳۶.۰۰۰/۰۰۰ تومان در سال تعیین شده‌است. یعنی سقف معافیت نسبت به سال گذشته ۹٪ افزایش یافته و این درحالی است که تورم سال ۹۸، معادل ۳۴٪ بوده‌است. در این سال نیز نرخ‌های جدید درآمدی بدون در نظر گرفتن ماده‌های ۸۴ و ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم تعیین شده که به شرح ذیل می‌باشد:

مازاد بر مبلغ سقف معافیت تا یک و نیم برابر آن مشمول مالیات سالانه ده درصد (۱۰٪) و نسبت به مازاد یک و نیم برابر تا دو و نیم برابر آن مشمول مالیات سالانه پانزده درصد (۱۵٪) و نسبت به مازاد دو و نیم برابر تا چهار برابر آن مشمول مالیات سالانه بیست درصد (۲۰٪) و نسبت به مازاد چهار برابر مشمول مالیات بیست و پنج درصد (۲۵٪) می‌باشد.

با توجه به اینکه میزان تورم سال ۹۸ اختلاف زیادی با افزایش سقف معافیت داشته، شاخص‌سازی ناقص صورت‌گرفته و ارزش حقیقی آستانه‌ها نسبت به سال قبل کمتر هستند، در نتیجه افراد با قدرت خرید کمتر نسبت به سال ۹۸ در طبقات پایین‌تر درآمدی، با افزایش نرخ مالیات مؤثر مواجه شده‌اند و مؤدیان با سطح درآمد بالاتر با کاهش نرخ مؤثر روبرو بوده‌اند.

طبق تبصره ۱۲ بند (الف) قسمت چهارم قانون بودجه سال ۱۴۰۰ سقف معافیت مالیاتی ۴۸.۰۰۰/۰۰۰ تومان در سال تعیین گردیده است. یعنی سقف معافیت نسبت به سال گذشته ۳۳٪ افزایش یافته و تورم سال ۹۹، معادل ۳۶٪ بوده‌است. در این سال نیز نرخ‌های جدید درآمدی بدون در نظر گرفتن ماده‌های ۸۴ و ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم تعیین شده‌است که به شرح ذیل می‌باشد:

- نسبت به مازاد چهارصد و هشتاد میلیون (۴۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا نهصد و شصت میلیون (۹۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال ده درصد (۱۰٪)
- نسبت به مازاد نهصد و شصت میلیون (۹۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یک میلیارد و چهارصد و چهل میلیون (۱.۴۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال: پانزده درصد (۱۵٪)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

- نسبت به مازاد یک میلیارد و چهارصد و چهل میلیون (۱.۴۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا دو میلیارد و صد و شصت میلیون (۲.۱۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال: بیست درصد (۲۰٪)
- نسبت به مازاد دو میلیارد و صد و شصت میلیون (۲.۱۶۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا دو میلیارد و هشتصد و هشتاد میلیون (۲.۸۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال: بیست و پنج درصد (۲۵ ٪)
- نسبت به مازاد دو میلیارد و هشتصد و هشتاد میلیون (۲.۸۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا سه میلیارد و هشتصد و چهل میلیون (۳.۸۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال: سی درصد (۳۰٪)
- نسبت به مازاد سه میلیارد و هشتصد و چهل میلیون(۳.۸۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال: سی و پنج درصد (۳۵٪)

در این قانون، عرض براکت‌ها و تعداد طبقات نسبت به قبل افزایش یافته‌است. شایان ذکر است در این سال شاخص‌سازی تورمی تقریبا به صورت کامل و با توجه به تورم انجام شده‌است.

طبق تبصره ۱۲ بند (الف) قسمت پنجم قانون بودجه سال ۱۴۰۱، سقف معافیت مالیاتی ۶۷.۰۰۰/۲۰۰ تومان در سال تعیین گردیده‌است. یعنی سقف معافیت نسبت به سال گذشته ۴۰٪ افزایش یافته و تورم سال ۱۴۰۰ نیز، ۴۰٪ بوده‌است؛ بنابراین قانون گذار در این سال با توجه به تورم سال قبل شاخص‌سازی کامل را در نظر گرفته است. در این سال نیز نرخ‌های جدید درآمدی بدون در نظر گرفتن ماده‌های ۸۴ و ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم تعیین شده که به شرح ذیل می‌باشد:

- نسبت به مازاد ششصد و هفتاد و دو میلیون (۶۷۲,۰۰۰,۰۰۰)ریال تا یک میلیارد و هشتصد میلیون (۱,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰)ریال، ده درصد (۱۰٪)
- نسبت به مازاد یک میلیارد و هشتصد میلیون (۱,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰)ریال تا سه میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰)ریال، پانزده درصد(۱۵٪)
- نسبت به مازاد سه میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰)ریال تا چهار میلیارد و دویست میلیون (۴,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰)ریال، بیست درصد(۲۰٪)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

- نسبت به مازاد چهارمیلیارد و دویست میلیون (۴,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰)ریال به بالا، سی درصد(۳۰٪)

در این قانون، عرض و تعداد طبقات براکت‌های نرخ نسبت به سال قبل افزایش یافته است.

طبق تبصره ۱۲ بند (و) قسمت اول قانون بودجه سال ۱۴۰۲، سقف معافیت مالیاتی ۱۲۰.۰۰۰/۰۰۰ تومان در سال تعیین گردیده‌است. یعنی سقف معافیت نسبت به سال گذشته ۷۸٪ افزایش یافته است، درحالی که تورم سال ۱۴۰۱، ۴۵٪ بوده‌است. بنابراین قانون‌گذار در این سال تصمیم به افزایش معافیت پایه داشته‌است. در این سال نیز نرخ‌های جدید درآمدی طبق تبصره ۱۲ بند(و) قسمت دوم قانون بودجه سال ۱۴۰۲ بدون در نظر گرفتن ماده‌های ۸۴ و ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم تعیین شده که به شرح ذیل می‌باشد:

- نسبت به مازاد یک میلیارد و دویست میلیون (۱.۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یک میلیارد و ششصد و هشتاد میلیون (۱,۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، ده درصد (۱۰٪)
- نسبت به مازاد یک میلیارد و ششصد و هشتاد میلیون (۱,۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا دو میلیارد و هفتصد و شصت میلیون (۲,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، پانزده درصد (۱۵٪)
- نسبت به مازاد دو میلیارد و هفتصد و شصت میلیون (۲,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهار میلیارد و هشتاد میلیون (۴,۰۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، بیست درصد (۲۰٪)
- نسبت به مازاد چهار میلیارد و هشتاد میلیون (۴,۰۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به بالا، سی درصد (۳۰٪)

در این قانون، تعداد براکت‌ها و نیز عرض آن‌ها کم شده است.

با توجه به تغییراتی که علاوه بر مقادیر ریالی در نرخ‌ها و تعداد طبقات و عرض براکت‌ها مشاهده می‌شود، به نظر می‌رسد مقننین هنوز به جمع بندی کامل در مورد نحوه نرخ‌گذاری مالیات بر درآمد حقوق نرسیده‌اند و هر ساله از ابتدا شروع به تصمیم گیری در این باره می‌کنند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

هدف از بررسی بودجه سال‌های اخیر، بررسی نحوه شاخص‌سازی تورمی قانون مورد نظر بود ولی به دلیل اینکه در هر دوره، تصمیمات در خصوص میزان معافیت حقیقی پایه مالیاتی تغییر کرده‌است، بررسی نحوه شاخص‌سازی با این انتظار که از فرمول معین و مدونی صورت گرفته باشد، انتظاری دور از واقعیت است.

لازم به ذکر است با مقایسه مالیات بر درآمد مشاغل و مالیات بر درآمد حقوق‌بگیران، اعم از دولتی و غیردولتی، می‌توان دریافت که عدالت افقی به آن معنا که برخورد یکسانی با افراد با درآمد یکسان صورت گیرد وجود ندارد. چراکه در خصوص مالیات بر حقوق، هر ساله شاخص‌سازی صورت می‌گیرد ولی در مالیات بر درآمد که همان ویژگی مالیات بر حقوق را دارد (یعنی در زمان تورم مقادیر استفاده شده در این قانون نیز فرسوده می‌شوند)، شاخص سازی صورت نمی‌پذیرد. همچنین به لحاظ آستانه درآمد و تعداد و عرض طبقات نیز با یکدیگر متفاوت هستند.

در ادامه به بررسی مقادیر اعتبار مالیاتی و هزینه‌های قابل قبول در قوانین مالیاتی ایران که در بخش ۳.۲/۱ کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی به عنوان ادبیات و مبانی نظری این پژوهش توضیح داده شده، می‌پردازیم.

طبق بند(۳) ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم که برای تشویق به داشتن هزینه‌های تحقیقاتی با همکاری مراکز علمی و دانشگاهی است؛ در این قسمت مبلغ شرط‌شده برای پذیرش هزینه قابل قبول، حداقل مبلغ ابرازی ۵۰۰.۰۰۰/۰۰۰ ریال است که در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۱ تصویب شده و پس از هفت سال در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۹مبلغ آن شاخص‌سازی گردید و با ۱۰۰ درصد افزایش به مبلغ ۰۰۰/۱۰.۰۰۰/۰۰۰ ریال رسیده است. این درحالی است که تورم در این بازه ۴۵۲٪ بوده وارزش حداقل درآمد ابرازی برای پذیرش هزینه‌های قابل قبول به شدت دچار فرسایش شده‌است و برای مدتی طولانی، مبلغ از ارزش حقیقی خود که در سال ۱۳۹۴ قرار داده شده فاصله گرفته‌است و پس از آن نیز در زمان تعدیل، تصمیم به تغییر ارزش حقیقی این آستانه گرفته‌شده چرا که ارزش حقیقی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

آن کاهش یافته است. لازم به ذکر است از مرداد ۱۴۰۱ تا زمان حاضر نیز شاخص‌سازی صورت نگرفته است. حال آنکه در بازه‌ی یکساله پس از مصوبه مرداد ۱۴۰۱، تورم ۴۶ درصدی داشته‌ایم و ارزش مبلغ، فرسایش بسیار زیادی داشته‌است که قانون را از اهداف قانون‌گذار دور می‌کند.

طبق تبصره ۳ ماده ۱۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم سقف هزینه قابل قبول تهاتری که از طریق سیستم غیربانکی قابل پرداخت یا تسویه است از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ به مبلغ ۵ میلیون تومان در نظرگرفته شده‌است که از تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۹ به موجب ماده ۱۷۵ قانون مالیات‌های مستقیم، با افزایش ۳۰۰ درصدی، به مبلغ ۲۰ میلیون تومان تغییر یافته‌است. بنابراین با توجه به نرخ تورم ۴۵۲ درصدی در این بازه، شاخص‌سازی به صورت کامل صورت‌نپذیرفته است. ضمن اینکه در ۷ سال گذشته نیز این شکاف وجود داشته است و نتیجه این مسئله افزایش هزینه برای مؤدیان جهت انجام معاملات خرد بوده است. بدیهی است که در بازه یکساله پس از تاریخ تصویب مصوبه نیز، تورم ۴۶ درصدی داشته‌ایم. بنابراین آسیب مطرح شده بیش از پیش گریبان‌گیر بنگاه‌های اقتصادی خواهد بود.

بند (۱۰) ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم که در خصوص هزینه قابل قبول سرانه هر کارگر برای مسائل فرهنگی و ورزشی است، تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۹ تغییری نکرده‌است. لازم به ذکر است این مبلغ تا قبل از این تاریخ ۱۰/۰۰۰ ریال بوده‌است و عملا کارکرد خود را به طور کامل از دست داده‌است. به موجب تصویب نامه هیئت وزیران مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۹، هزینه‌های فرهنگی و ورزشی و رفاهی کارگران، به مبلغ ۲.۰۰۰/۵۰۰ ریال، افزایش یافت. لازم به ذکر است از مرداد ۱۴۰۱ تا زمان نگارش این مقاله نیز شاخص‌سازی صورت نگرفته است. حال آنکه در بازه‌ی یکساله پس از مصوبه مرداد ۱۴۰۱، شاهد تورم ۴۶ درصدی بوده‌ایم و تجربه سالیان گذشته در خصوص ساقط شدن این قسمت از قانون از حیث کارکردی و حیز انتفاع، در صورتی که مبادرتی نسبت به شاخص‌سازی به صورت نظام‌مند صورت نگیرد، می‌تواند دوباره تکرار شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

در این قسمت به بررسی میزان مالیات غیرمستقیم به ازای هر واحد در قوانین مالیاتی ایران که در بخش ۳.۳/۱ کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی به عنوان ادبیات و مبانی نظری این پژوهش توضیح داده شده، می‌پردازیم.

طبق ماده ۴۴ قانون مالیات‌های مستقیم به ازای هر برگ چک که از طرف بانک‌ها چاپ می‌شود، در موقع چاپ دویست ۲۰۰ ریال حق تمبر اخذ می‌شود. باتوجه به اینکه رقم موجود ریالی است در شرایط تورمی ارزش حقیقی خود را به شدت از دست داده است؛ تا جایی که این مبلغ برای افراد در زمان فعلی بی معنی است.

در ماده ۴۶ قانون مالیات‌های مستقیم، حق تمبرهای مختلفی برای اسناد تجاری، اوراق و مدارک در نظر گرفته شده که همه‌ی مبالغ به صورت ریالی نوشته شده‌اند و دچار فرسایش شده‌اند. در صورتی که این مبالغ، شاخص‌سازی نشوند، صرفا باعث اتلاف انرژی و وقت خواهند شد چراکه در زمان فعلی، این مبالغ ارزش چندانی ندارند.

طبق ماده ۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم، در صورتی که کلیه قراردادها و اسناد مشابه آن‌ها که در همین ماده به آن‌ها اشاره شده، بین‌بانک‌ها و مشتریان آنها مبادله یا از طرف مشتریان تعهد شود و در دفاتر اسناد رسمی ثبت نشود، معادل ۱۰۰۰۰ ریال (ده هزار ریال) حق تمبر اخذ می‌شود. با توجه به ارزش فعلی این مبلغ به عنوان تمبر، در مقام واقعیت، این قانون خاصیت خود را از دست داده و هدف آن که ثبت قراردادها در دفاتر اسناد رسمی است محقق نخواهد شد. اگر این قانون و هدف آن برای قانون گذار مهم باشد می‌بایست مبلغ آن در بازه‌های مشخص شاخص‌سازی شود.

سه ماده قبل که به آن‌ها اشاره شد نیازمند بازبینی مجدد است. باتوجه به اینکه آخرین بازنگری و تغییر این قوانین (ماده ۴۴،۴۶ و۴۷) در تاریخ ۱۳۸۱/۰۱/۰۱ بوده است، مقادیر موجود در این قوانین با فرسایش شدید ارزش حقیقی مبالغ روبرو شده اند؛ چراکه از تاریخ مذکور الی فروردین ۱۴۰۱ میانگین شاخص قیمت مصرف کننده ۴۲/۷۸ برابر شده است. اگر اهداف این قوانین در زمان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

فعلی از طرق دیگر محقق می‌شود که دیگر نیاز به این قوانین نیست و می‌بایست نسبت به حذف آن‌ها اقدام شود؛ در غیر اینصورت می‌بایست مبالغ در این قوانین شاخص‌سازی شوند تا این قوانین اثرگذاری خود را از دست ندهند.

در ادامه به بررسی بخش‌هایی از قوانین که نسبت به تعیین جریمه‌هایی که بر اساس پول ملی تعیین شده‌اند و پیش‌تر در بخش ۳.۵/۱ کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی به عنوان ادبیات و مبانی نظری این پژوهش توضیح داده شده، می‌پردازیم.

طبق ماده ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم، وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها برای اشخاص حقوقی تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری از مراجع قانونی ذی‌ربط از بیست درصد(۲۰٪) سرمایه ثبت‌شده و یا مبلغ پنج میلیارد(۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی تولیدی از ده‌درصد(۱۰٪) سرمایه ثبت شده و یا دو میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و سایر اشخاص حقیقی از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» بیشتراست از کشور جلوگیری نماید. پس از آن به موجب تصویب نامه شماره ۷۷۸۹۹/ت۵۹۷۲۷هـ مورخ ۰۹/۰۵/۱۴۰۱، بدهی مالیاتی برای ممنوع الخروج کردن اشخاص حقوقی تولیدی دارای پروانه بهره برداری به مبلغ ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، ممنوع الخروج کردن سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی تولیدی، به مبلغ ۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و ممنوع الخروج کردن سایر اشخاص حقیقی به مبلغ ۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، افزایش یافت. یعنی پس از هفت سال اعداد شاخص‌سازی شده‌اند و در شاخص‌سازی صورت گرفته ارقام ۳۰۰٪ افزایش یافته‌اند؛ در حالی که شاخص قیمت مصرف کننده با ۴۵۲٪ رشد همراه بوده است. بخشی از این قانون با توجه به اینکه به صورت نسبتی از سرمایه در نظر گرفته شده‌است، از اثرات تورم در امان خواهد بود. اما با گذشت زمان و فرسوده شدن مبالغ ریالی قانون، کارکرد این قسمت نیز از بین خواهدرفت و این بدین معناست که مؤدیان آزادی عمل خود را از دست خواهند داد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

در ماده ۲۲ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، مبالغ جریمه بر اساس پول ملی بیان شده است ولی در تبصره یک این قانون بیان شده است که مبلغ جریمه‌های ثابت مندرج در این قانون، متناسب با نرخ تورم سالانه بر اساس آخرین اعلام بانک مرکزی، هر سال توسط سازمان اعلام می‌شود. این ماده در راستای شاخص سازی تورمی مقادیر ریالی در قانون پایانه‌های فروشگاهی اثر مثبت دارد و نشان می‌دهد قانون‌گذاران در زمان فعلی به این مسئله توجه بیش‌تری دارند. البته با توجه به جدید بودن این قانون، امکان ارزیابی عملکرد سازمان امور مالیاتی نسبت به این قانون امکان پذیر نیست.

طبق ماده ۱۷ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان، برای مؤدیانی که فروش خود را با استفاده از پایانه‌های فروشگاهی انجام می‌دهند، تشویق با مبلغ ثابت قرار داده‌اند که با گذشت هر سال و وجود تورم فرسوده خواهد شد.

در اکثر موارد مورد بررسی، عدم شاخص‌سازی منظم و مناسب برای مبالغ ریالی موجود در قوانین قابل مشاهده‌است که اثرگذاری قوانین را دچار تغییر کرده‌است. در قانون مالیات‌های مستقیم ماده ۱۷۵ برای این موضوع در نظر گرفته شده که به شرح ذیل می‌باشد.

- ماده ۱۷۵) کلیه نصاب‌های مندرج در این قانون، هماهنگ با نرخ تورم هر دو سال یک بار به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت‌وزیران قابل تعدیل است.

همان‌طور که از متن قانون برداشت می‌شود، شاخص‌سازی مقادیر اولاً اختیاری است و ثانیاً در بازه کمتر از دو سال امکان تعدیل مبالغ وجود ندارد. درحالی‌که میانگین نرخ سالانه تورم در ده سال گذشته طبق آمار بانک مرکزی ۲۳/۴٪ بوده است. یعنی طی دو سال افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به طور میانگین به رقم ۴۶/۸٪ می‌رسد و این یعنی ارزش مبالغ مطرح شده طی دو سال تقریباً نصف خواهد شد. نکته حائز اهمیت در این خصوص آن است که انحرافات ناشی از تورم

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

بر نظام مالیاتی بسیار زیاد بوده است. حال آنکه در مقام عمل نیز، به طور مرتب هر دو سال یکبار این تعدیل‌ها صورت نگرفته است.

در ادامه شاخص سازی تورمی برخی کشورها به عنوان نمونه بیان می‌شود:

آمریکا:

آمریکا از سیستم شاخص زنجیره‌ای قیمت مصرف‌کننده (C-CPI-U) برای تنظیم خودکار آستانه‌ها و مقادیر مالیاتی استفاده می‌کند. هر سال، اداره درآمد داخلی(IRS) ، با استفاده از این شاخص، طبقات و آستانه‌های مالیاتی را برای سال بعد تنظیم می‌کند. C-CPI-U ، برخلاف شاخص‌های معمول قیمت مصرف‌کننده، رفتار مصرف‌کننده را در واکنش به تغییرات قیمت در نظر می‌گیرد و تغییرات مصرفی را انعکاس می‌دهد، که باعث می‌شود تعدیل‌ها کمی پایین‌تر از نرخ تورم معمول باشند. با این وجود، این سیستم به IRS امکان می‌دهد که اثرات تورم را به صورت خودکار و سالانه خنثی کند، و این امر مانع از افزایش غیرعادلانه مالیات‌ها در شرایط تورمی می‌شود. (بخش (f) یک کد درآمد داخلی آمریکا۱)

کانادا:

طبق قانون مالیات بر درآمد کانادا بخش ۱۱۷/۱، در بیشتر استان‌های کانادا براکت‌های مالیاتی و اغلب مبالغ دیگر مالیات اشخاص هر سال بر اساس تورم با استفاده از ضریب شاخص‌بندی محاسبه‌شده تنظیم می‌شوند. برای نمونه ضریب شاخص‌بندی فدرال برای سال ۲۰۲۵ از تقسیم میانگین شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) برای همه اقلام در طول ۱۲ ماه منتهی به ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴ به میانگین شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) برای همه اقلام در طول ۱۲ ماه منتهی به ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳ بدست می‌آید. همان‌طور که مشخص است شاخص سازی در کانادا برای مالیات بر درآمد اشخاص دقیقا به اندازه میزان تورم به صورت سالانه بر اساس شاخص قیمت مصرف کننده

1. Internal Revenue Code

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

انجام می‌شود. درحالی که بالاترین نرخ تورم کانادا در ده سال اخیر مربوط به سال ۲۰۲۲ بوده که نرخ آن ۶/۸٪ بوده است(World Bank).

۲-۵. فرسایش ارزش تعهدات مالیاتی

قسمت دوم مربوط به تغییر ارزش تعهدات حاصل از تأخیر در پرداخت‌هاست. این بخش را در دو قسمت تأخیرهای قانونی و غیرقانونی بررسی خواهیم کرد.

قوانینی که تأخیرهای قانونی را مجاز کرده‌اند و در بخش ۳.۱/۲ مطرح شد، در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- **مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی:**[1] فرآیند به این‌صورت است که طبق ماده (۱۰۰) قانون مالیات‌های مستقیم، مؤدی تا خرداد سال بعد فرصت تسلیم اظهارنامه و پرداخت دارد (یعنی از آخر اسفند تا آخر خرداد، سه ماه امکان تأخیر به صورت قانونی خواهد داشت). طبق ماده (۱۵۶) قانون مالیات‌های مستقیم، سازمان امور مالیاتی یکسال و سه ماه پس از تاریخ انقضای قانونی تسلیم اظهارنامه توسط مؤدی فرصت دارد برگ تشخیص درآمد را صادر کند. از همین‌رو، در صورت تایید اظهارنامه، یکسال فرصت سازمان امور مالیاتی برای بررسی اظهارنامه، کاهش ارزشی ایجاد نمی‌کند؛ چراکه در زمان تسلیم اظهارنامه تعهد مؤدی پرداخت می‌شود و تنها زمانی کاهش ارزش برای سازمان امور مالیاتی به دلیل وجود تورم و تأخیر در پراخت اتفاق می‌افتد که فرد در اظهارنامه خود کم‌اظهاری کرده باشد. بنابراین فرسایش ارزش تعهد به دو

---

۱. در این مسئله باقر ثانی در مقاله با موضوع «برآورد وقفه‌های درآمد مالیاتی مشاغل در استان تهران» به ذکر حالتی که مؤدی نسبت به برگ تشخیص صادره از سوی اداره کل امورمالیاتی معترض نباشد می‌پردازد. در این قسمت بیان می‌کند طبق ماده‌های (۱۰۰)، (۱۵۶) و(۲۲۶) در قانون مالیات‌های‌مستقیم، سرفصل مالیات بر مشاغل، وقفه قانونی برای یک مؤدی چنانچه مالیات قطعی شده خود را به موقع پرداخت نماید ۱۹ ماه محاسبه شده است. در صورتی که در متن توضیح داده شده که آنچه در واقعیت اتفاق افتاده، با این مطلب متفاوت است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

عامل: ۱. میزان کم اظهاری مؤدی ۲. سرعت العمل سازمان امور مالیاتی در خصوص صدور برگ تشخیص بستگی دارد.

مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی: مورد دیگر از تأخیرهای مجاز در قانون، مربوط به ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم است. در این ماده که مربوط به پرداخت اشخاص حقوقی است، ۴ماه فرصت برای تسلیم اظهارنامه و پرداخت به طور قانونی در نظر گرفته‌شده‌است و با نظر به اینکه تورم ۴ ماهه به طور میانگین در ۱۰ سال اخیر ۷/۸٪ بوده و طول وقفه ۴ ماهه است، بنابراین به طور متوسط ارزش از دست رفته برای این ۴ماه برابر ۷/۸٪ از تعهدات خواهد بود.

- **مالیات بر ارزش افزوده:** طبق ماده ۴ قانون مالیات بر ارزش افزوده جدید مصوب سال ۱۴۰۰، مؤدی مکلف است حداکثر تا پایان ماهِ پس از انقضای هر دوره مالیاتی، کل مالیات و عوارضی را که طی آن دوره به فروش کالا و یا ارائه خدمات توسط وی تعلق گرفته است، پرداخت نماید. مؤدیان فرصت یک ماهه برای پرداخت تعهدات مشخص شده پس از سه ماه را خواهند داشت. اگر با دقت بیش‌تر به تأخیرهای موجود در زمان ایجاد تعهد و زمان اجبار در پرداخت توجه شود بسته به اینکه فروش و خدمات در ماه اول یا دوم یا سوم صورت گرفته باشد میزان تأخیر در پرداخت متفاوت خواهد شد. مثلاً اگر فروشی در ماه اول فصل صورت بگیرد و مشمول مالیات بر ارزش افزوده شود، پس از ۳ ماه تأخیر پرداخت خواهدشد. بنابراین برای تعهداتی که در ماه اول دوره صورت می‌گیرد به طور تقریبی ۵/۸۵٪ ، در ماه دوم ۳/۹٪ و در ماه سوم ۱/۹۵٪ از ارزش تعهدات کاسته خواهد شد. یعنی به طور میانگین با فرض یکسان بودن تعهدات شکل گرفته در هر ماه، ۳/۹٪ از ارزش تعهدات به دلیل وجود تأخیر در پرداخت کاسته خواهد شد. البته این محاسبه با فرض اینکه مؤدی از فرصت‌های قانونی جهت تأخیر در پرداخت استفاده کند محاسبه شده‌است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

در ادامه به بررسی قوانینی که در موضوع تأخیرهای غیرقانونی مطرح هستند و در بخش ۳.۲/۲ این پژوهش کانال‌های اثرگذاری تورم بر نظام مالیاتی به عنوان ادبیات و مبانی نظری این پژوهش توضیح داده شده، خواهیم پرداخت.

طبق ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم:

- ماده ۱۹۰) علی‌الحساب پرداختی بابت مالیات عملکرد هرسال مالی قبل از سررسید مقرر در این قانون برای پرداخت مالیات عملکرد موجب تعلق جایزه‌ای معادل یک درصد (۱٪) مبلغ پرداختی به ازای هر ماه تا سررسید مقرر خواهد بود که از مالیات متعلق همان عملکرد کسر خواهد شد. پرداخت مالیات پس از آن موعد موجب تعلق جریمه‌ای معادل دو و نیم درصد (۲/۵٪) مالیات به ازای هر ماه خواهد بود.

از همین رو، بالاترین مقدار سالانه تورم از ۹۴ تا ۱۴۰۲، ۴۶٪ بوده است. یعنی میانگین بالاترین نرخ تورم سالانه برای یک ماه، حدود ۳/۸۴٪ بوده است و این بدان معناست که میزان جریمه در برخی سال‌ها، از میزان تورم آن ماه کمتر بوده است. جایگاه بحث و اثر این موضوع، منفعت تأخیر در پرداخت پس از مهلت قانونی مقرر برای مؤدیان است که این مهم از دو جهت برای دولت آثار و تبعات منفی خواهد داشت: ۱. ارزش حقیقی مالیاتی که دریافت می‌کند کاهش می‌یابد. ۲. چنانچه میزان جریمه بازدارندگی نداشته باشد، انگیزه مؤدیان برای عدم پرداخت بدهی بسیار افزایش خواهد یافت.

همچنین پایین‌ترین مقدار سالانه تورم از ۹۴ تا ۱۴۰۲، ۶/۸٪ بوده است. یعنی میانگین پایین‌ترین نرخ تورم سالانه برای یک ماه، حدود ۰/۵۶٪ بوده است و این بدان معناست که میزان تشویق در برخی سال ها، از میزان تورم آن ماه بیشتر بوده است. بنابراین با استفاده از مشوق مؤدیان می‌توانستند مقدار مالیات حقیقی کمتری پرداخت کنند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

با در نظر گرفتن نرخ‌های فعلی ماده ۱۹۰ اگر نرخ تورم سالانه کمتر از ۱۲٪ باشد، در صورت پرداخت زودتر از موعد تعهدات، مؤدیان امکان پرداخت کمتر از تعهدات را دارند ولی اگر تورم سالانه بیش از ۱۲٪ باشد، مؤدیان درصورت پرداخت زودتر از موعد با ضرر مواجه خواهند شد. با توجه به اینکه از سال ۹۷ تا ۱۴۰۲ نرخ تورم بالاتر از ۲۷٪ بوده، بنابراین اینگونه استنتاج می‌شود که این مشوق عملا کارایی خود را از دست داده‌است.

با در نظر گرفتن نرخ‌های فعلی ماده ۱۹۰، اگر نرخ تورم سالانه کمتر از ۳۶٪ باشد، در صورت پرداخت دیرتر از موعد تعهدات، مؤدیان با ضرر مواجه خواهند شد. اما اگر تورم سالانه بیش از ٪۳۶ باشد، مؤدیان درصورت پرداخت دیرتر از موعد، پرداخت حقیقی کمتری خواهند داشت. با توجه به اینکه از سال ۹۷ تا ۱۴۰۲ نرخ تورم ۴ سال بالاتر از ۳۶٪ بوده، درصورت تأخیر در پرداخت مؤدیان، سازمان امور مالیاتی با فرسایش درآمد از این طریق روبرو بوده است. ضمن اینکه بخشودگی جریمه ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ می‌تواند اثر تنبیهی این موضوع را بیش از پیش تضعیف نماید.[1] جهت مؤثر واقع شدن اثر تنبیهی و تشویقی، این قانون می‌بایست با توجه به نرخ تورم تغییر کند.

---

۱. تبصره ۱ ماده ۱۹۰: مودیانی که به تکالیف قانونی خود راجع به تسلیم به موقع اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان و پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت مالیات طبق اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان و حسب مورد ارائه به موقع دفاتر و اسناد و مدارک خود اقدام نموده‌اند در موارد مذکور در ماده (۲۳۹) این قانون، هرگاه برگ تشخیص مالیاتی صادره را قبول یا با اداره امور مالیاتی توافق نمایند و نسبت به پرداخت مالیات متعلقه یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام کنند از هشتاد درصد (۸۰٪) جرایم مقرر در این قانون معاف خواهند بود. همچنین، در صورتی‌که این‌گونه مودیان ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ برگ قطعی مالیات نسبت به پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام نمایند از چهل درصد (۴۰٪) جرایم متعلقه مقرر در این قانون معاف خواهند بود.

ماده ۱۹۱: تمام یا قسمتی از جرایم مقرر در این قانون بنا به درخواست مودی با توجه به دلایل ابرازی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظرگرفتن سوابق مالیاتی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

طبق ماده ۲۳۸، در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مؤدی ابلاغ شود، چنانچه مؤدی نسبت به آن معترض باشد، می‌تواند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ شخصا یا به وسیله وکیل تام الاختیار خود با ارائه دلایل و اسناد و مدارک کتباً از اداره امور مالیاتی تقاضای رسیدگی مجدد نماید. در صورتی‌که اعتراض وارد نباشد، برای تأخیر در پرداخت از زمان ابلاغ برگ تشخیص برای مالیات بر عملکرد، طبق ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم، می‌بایست با نرخ ۲/۵٪ جریمه پرداخت نماید. جریمه مذکور پس از ابلاغ برگ تشخیص، حداکثر تا ۱۲ ماه اعمال می‌شود.

نکته حائز اهمیت که در قوانین مسکوت مانده استفاده مؤدیان از معافیت‌هایی است که شرایط استفاده از آن را ندارند و در واقع با این روش تعهد خود را نسبت سازمان امور مالیاتی عمداً کمتر نشان می‌دهند. حداقلی‌ترین اثر این مسئله تأخیر در پرداخت مؤدی است که با توجه به وجود تورم به فرسایش تعهدات می‌انجامد.

طبق ماده ۲۳ قانون مالیات بر ارزش افزوده؛ پس از اتمام مهلت قانونی پرداخت، در صورت عدم پرداخت تعهدات، مؤدیان با جریمه ۲ درصدی به ازای هر ماه روبرو خواهند شد. توضیحات مطرح شده در خصوص ماده ۱۹۰ برای این ماده نیز صادق است. البته با این تفاوت که نرخ جریمه کمتر بوده و انگیزه مؤدیان برای تأخیر افزایش خواهد یافت. اگرچه در این قانون، بخشودگی‌های جریمه مالیات بر درآمد وجود ندارد.

با رجوع به قوانین کشورها می‌توان راهکارهای متفاوتی برای جلوگیری از فرسایش ناشی از تأخیر در پرداخت تعهدات مشاهده نمود. برای نمونه در ادامه به راهکارهای چند کشور در قوانین‌شان پرداخته خواهد شد.

و خوش‌حسابی مودی به تشخیص و موافقت سازمان امور مالیاتی کشور قابل بخشوده شدن می‌باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

شیلی

در شیلی از **واحد پولی UF (Unidad de Fomento)** برای جلوگیری از کاهش ارزش تعهدات مالیاتی استفاده می‌شود. UFواحد پولی ویژه‌ای است که ارزش آن به طور مرتب براساس تورم تنظیم می‌شود و به‌طور گسترده در سیستم مالیاتی و وام‌های مسکن برای حفظ ارزش واقعی در شرایط تورمی استفاده می‌گردد.

قانون مالیات داخلی شیلی، معروف به **DL 830**، از این سازوکار پشتیبانی می‌کند و استفاده از UF را به‌عنوان واحد مرجع برای تطبیق ارزش بدهی‌های مالیاتی مجاز می‌داند. ارزش UF براساس تغییرات CPI(شاخص قیمت مصرف‌کننده) به‌روزرسانی می‌شود تا ارزش تعهدات مالیاتی مؤدیان ثابت بماند.

آرژانتین

در آرژانتین، **قانون شماره ۲۴/۰۷۳** به دولت اجازه می‌دهد که نرخ‌های جریمه دیرکرد را براساس تورم تنظیم کند. این قانون به طور خاص به محاسبه جریمه‌ها و بهره‌های دیرکرد براساس شاخص تورم اشاره دارد، که با توجه به نرخ تورم بالا در آرژانتین اهمیت زیادی دارد. قانون شماره ۲۴/۰۷۳ که در سال ۱۹۹۱ تصویب شده است، تصریح می‌کند که نرخ‌های جریمه دیرکرد برای بدهی‌های مالیاتی باید مطابق با تورم به‌روزرسانی شود.

لهستان

لهستان از **قانون شماره ۱۹۹۱** استفاده می‌کند که نرخ جریمه‌های دیرکرد را براساس نرخ بهره پایه بانک مرکزی و تورم تنظیم می‌کند. به این ترتیب، با تغییر نرخ تورم یا نرخ بهره، نرخ جریمه دیرکرد نیز به‌طور خودکار تنظیم می‌شود تا ارزش واقعی بدهی‌ها و تعهدات مالیاتی کاهش نیابد.

طبق قانون مالیاتی لهستان، نرخ جریمه دیرکرد به نرخ بهره رسمی بانک مرکزی متصل است و این نرخ می‌تواند براساس نرخ تورم نیز تنظیم شود. در سال ۲۰۲۳، به دلیل افزایش نرخ تورم به ٪۸، نرخ‌های جریمه دیرکرد به‌صورت خودکار تعدیل شد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

برزیل

در برزیل، قانون **شماره ۵۱۷۲** از نرخ بهره پایه (SELIC) برای محاسبه جریمه‌های دیرکرد استفاده می‌کند. نرخ SELIC توسط بانک مرکزی برزیل تعیین می‌شود و به عنوان مبنای محاسبه بهره‌ها و جریمه‌های مالیاتی به کار می‌رود. این سازوکار باعث می‌شود که ارزش واقعی بدهی‌های مالیاتی در شرایط تورمی حفظ شود، زیرا نرخ SELIC به‌طور منظم براساس نرخ تورم به‌روزرسانی می‌شود.

قانون شماره ۵۱۷۲ که بخشی از سیستم مالیاتی برزیل است، تصریح می‌کند که **نرخ SELIC** به عنوان مبنای محاسبه جریمه دیرکرد و بهره برای بدهی‌های مالیاتی استفاده شود. در سال ۲۰۲۳، با تورم ۶/۷٪، نرخ SELIC افزایش یافت و در نتیجه جریمه‌های دیرکرد نیز به‌طور متناسب تنظیم شدند.

در آخرین قسمت به مفاد قانونی‌ای اشاره می‌کنیم که در صورت وجود تورم، شرط استفاده از مشوق به طور معمول و بدون آنکه مؤدیان تلاشی برای این موضوع داشته‌باشد، برایشان میسر می‌شود. اولین مورد تبصره ۷ ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم است.

تبصره ۷) به ازای هر ده درصد (۱۰٪) افزایش درآمد ابرازی مشمول مالیات اشخاص موضوع این ماده نسبت به درآمد ابرازی مشمول مالیات سال گذشته آنها، یک‌واحددرصد و حداکثر تا پنج‌واحددرصد از نرخهای مذکور کاسته می‌شود. شرط برخورداری از این تخفیف تسویه بدهی مالیاتی سال قبل و ارائه اظهارنامه مالیاتی مربوط به سال جاری در مهلت اعلام شده از سوی سازمان امور مالیاتی است.

با نظر به اینکه در شرایط تورمی، در صورت ثابت ماندن درآمد حقیقی، درآمد اسمی افزایش می‌یابد، چنانچه مؤدی درآمد حقیقی ابرازی خود را افزایش ندهد نیز شامل این مشوق مالیاتی خواهد شد و همچنین در شرایطی که تورم از ۱۰٪ بیشتر باشد، حتی با کم تر شدن درآمد حقیقی ابرازی، مؤدی می‌تواند از این مشوق استفاده نماید. لازم به ذکر است مشابه مسئله‌ی مطرح‌شده، این آسیب برای مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی نیز طبق تبصره ماده ۱۳۱ تکرار شده‌است که می‌تواند همان آسیب‌های بیان شده در این بخش را تکرارپذیر نماید.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

ماده قانونی طبق ماده ۱۷۵	وضع موجود	توضیحات
ماده ۱۳۱(درآمد اشخاص)	شاخص سازی نامتناسب با تورم پس از ۷ سال طبق ماده ۱۷۵	
بند ۳ ماده ۱۳۲ (شرط مبلغ ابرازی برای هزینه قابل قبول شدن تحقیقات)	شاخص سازی نا مناسب با تورم پس از ۷ سال طبق ماده ۱۷۵	
تبصره ۳ ماده ۱۴۷(هزینه قابل قبول تهاتری	شاخص سازی نا مناسب با تورم پس از ۷ سال طبق ماده ۱۷۵	
ماده ۲۰۲ (ممنوع الخروجی بدهکاران مالیاتی)	شاخص سازی نا مناسب با تورم پس از ۷ سال طبق ماده ۱۷۵	
بند ۱۰ ماده ۱۴۸(هزینه قابل قبول فرهنگی سرانه کارگر)	شاخص سازی پس از مدت بسیار طولانی صورت گرفته طبق ماده ۱۷۵	مبلغ موجود قبل از اعلام ۱۰۰۰۰ریال بوده که به ۲۵۰۰۰۰۰ریال تغییر کرده است
بدون شاخص سازی تورمی		
ماده ۴۴(حق تمبر چک)	شاخص سازی از زمان قانون گذاری نداشته	مبلغ حق تمبر ۲۰۰ ریال است
ماده ۴۶(حق تمبرهای مختلف)	شاخص سازی از زمان قانون گذاری نداشته	
ماده ۴۷ (جریمه عدم ثبت قرارداد)	شاخص سازی از زمان قانون گذاری نداشته	مبلغ جریمه ۱۰۰۰۰ریال است
ماده ۱۷ قانون پایانه‌های فروشگاهی(مبلغ تشویق)	عدد ثابت در نظر گرفته شده	
متناسب با شاخص سازی تورمی		
ماده ۸۴(سقف معافیت سالانه)	هر ساله در قانون بودجه تصویب میشود	افزایش سقف معافیت متناسب با تورم نبوده است.
ماده ۸۵(حقوق)	نسبتی از ماده ۸۴	دارای تغییرات سالانه
ماده ۲۲ قانون پایانه‌های فروشگاهی(مبلغ جریمه)	هر ساله با توجه به تورم اعلامی بانک مرکزی شاخص سازی میشود	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

۶. نتیجه‌گیری

تورم اثرات زیادی بر بسیاری از مقادیر ریالی موجود در قوانین گذاشته و ماهیت آنها را تغییر داده است. با این حال، این اثرگذاری یکسان نبوده، چرا که میزان شاخص‌سازی‌های صورت گرفته در قوانین متفاوت بوده است. در برخی موارد شاخص‌سازی سالانه صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم که به صورت سالانه در قانون بودجه تعیین می‌شود و مواد قانونی دیگری که به صورت نسبتی از این ماده شاخص‌سازی کسری در آن‌ها در حال انجام است، اشاره نمود. در موارد دیگری نیز شاخص‌سازی با فاصله زمانی زیادی اتفاق افتاده که از جمله آنها می‌توان به تعدیل نرخ‌های ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم که پس از گذشت ۷ سال، سرانجام شاخص‌سازی برای آنها صورت پذیرفته است، اشاره کرد. در موارد دیگری مانند مواد قانونی مربوط به حق تمبر (مواد ۴۴،۴۶،۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم) از سال ۱۳۸۱ تاکنون شاخص‌سازی صورت نپذیرفته و این در حالی است که مقادیر مندرج در قانون با تغییرات حقیقی شدیدی همراه بوده و از اهداف قانون گذار در زمان تقنین بسیار فاصله گرفته است. از همین‌رو، با توجه به اینکه شاخص سازی‌ها به صورت نظام‌مند و مشخص صورت نپذیرفته، بار مالیاتی را در برخی موارد برای گروه‌های مختلفی از مؤدیان بسیار افزایش داده و منتج به ایجاد یا تشدید ناعدالتی افقی و عمودی شده‌است. بنابراین با توجه به دسته بندی صورت گرفته قوانین مالیاتی که در آن‌ها تورم از طریق کاهش ارزش ارقام اثرگذار بوده در جدول زیر آمده است.

ماده ۱۷۵ قانون مالیات‌های مستقیم با هدف شاخص‌سازی آستانه‌ها بر اساس نرخ تورم تدوین شده است. با این حال، این ماده دارای دو اشکال اساسی است که کارایی و اثربخشی آن را به شدت کاهش می‌دهد: اولا طبق این ماده، شاخص‌سازی آستانه‌ها به صورت اختیاری برای وزارت اقتصاد در نظر گرفته شده است. این امر به معنای آن است که وزارت اقتصاد هیچ تعهدی برای انجام این کار در صورت نیاز ندارد و می‌تواند از اعمال آن خودداری کند. ثانیا حتی در صورت اراده وزارت

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

اقتصاد به شاخص‌سازی، این امر فقط به صورت دوسالانه (دو سال یکبار) قابل انجام است. با توجه به نرخ بالای تورم در اقتصاد ایران، این فاصله زمانی طولانی است و عملاً نمی‌تواند با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها همگام شود.

تورم علاوه بر تغییر ارزش حقیقی ارقام ریالی موجود در قوانین از طریق فرسایش تعهدات، چه از طریق تأخیر در پرداخت‌های قانونی و چه از طریق پرداخت‌های غیرقانونی، باعث کاهش درآمد نظام مالیاتی شده است و از راه‌های اجتناب مالیاتی به شمار می‌رود. قوانینی که به صورت قانونی اجازه‌ی تأخیر در پرداخت را داده‌اند در جدول زیر آمده است.

ماده قانونی	فرصت فرسایش تعهدات قانونی	میزان کاهش ارزش تعهد(با احتساب میانگین تورم ده ساله)
ماده ۱۰۰ (مهلت تسلیم اظهارنامه اشخاص حقیقی)	۳ماه (از اسفند تا خرداد)	۸۰/۶٪
ماده ۱۵۶ (فرصت سازمان برای صدور برگ تشخیص)	۱۵ماه (در صورت کم اظهاری فرد)	۷۵/۳۳٪
ماده ۱۱۰ (مهلت تسلیم اظهارنامه اشخاص حقوقی)	۴ ماه	۱۰/۹٪
ماده ۴ قانون ارزش افزوده جدید	۱ ماه	۳۰/۲٪

مأخذ: یافته‌های پژوهش

قوانین مطرح شده اجازه تأخیر در پرداخت و کاهش ارزش تعهدات را به صورت قانونی و مجاز به مؤدیان داده است. همچنین از جمله تمهیداتی که در قوانین برای مسئله‌ی تأخیر غیر قانونی در پرداخت دیده شده، ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم است که جریمه‌ای معادل ۲/۵ درصد برای هر ماه تأخیر و در مقابل، تشویقی ۱ درصدی به صورت ماهانه برای پرداخت زودتر از مهلت قانونی در نظر گرفته است. این در حالی است که در سال‌هایی که نرخ تورم ماهانه بیش از ۲/۵٪

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

باشد، این ماده قانونی عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد، کما اینکه در سال‌های اخیر که شاهد تورم افسارگسیخته بوده‌ایم نیز اثربخشی خود را ازدست داده‌است. چرا که جریمه ۲/۵ درصدی در مقایسه با نرخ تورم بالای برخی از سال‌ها، بازدارندگی لازم را برای جلوگیری از تأخیر در مهلت پرداخت قانونی ایجاد نمی‌کند و به نوعی به مشوقی برای تأخیر در پرداخت تبدیل می‌شود. همچنین با توجه نرخ متفاوت تورم در سال‌های مختلف در نظر گرفتن یک نرخ ثابت نیز کارایی این ماده قانونی را کاهش خواهد داد.

همچنین در صورت تأخیر در پرداخت مالیات بر ارزش افزوده نیز جریمه دو درصدی در نظر گرفته شده است که با توجه به سابقه تورمی ایران، عملاً این نرخ جریمه برای جلوگیری از فرسایش تعهدات، بازدارندگی لازم را نخواهد داشت و مؤدیان در صورت تأخیر در پرداخت، مالیاتی با ارزش حقیقی پایین‌تری را پرداخت خواهند نمود که این مهم از جمله راه‌های اجتناب مالیاتی است.

بنابراین درک تأثیر تورم بر نظام مالیاتی برای سیاستگذاران از اهمیت بالایی برخوردار است تا بتوانند سیستم‌های مالیاتی عادلانه و کارآمدی را پیاده‌سازی نمایند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به ارتقای آگاهی سطوح مختلف حاکمیت در اقتصاد ایران به ویژه قوای تقنینی و مجریه، در خصوص ضرورت اصلاحات سیاستی جهت کاهش اثرات منفی تورم بر نظام مالیاتی کمک شایانی نماید.

سیاستگذاران می‌بایست به طور مستمربه طور مستمر نسبت به شاخص‌سازی تورمی ارقام ریالی موجود در قوانین، که در این پژوهش به آنها اشاره شده است، اقدام نمایند. این شاخص‌سازی می‌تواند به صورت نسبتی از سقف معافیت مالیاتی در ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم، که سالانه در قانون بودجه تعیین می‌شود، انجام پذیرد. انتخاب سقف معافیت به عنوان مبنای شاخص‌سازی از آن جهت حائز اهمیت است که این سقف هرساله با توجه به نرخ تورم تعدیل می‌گردد و در حال حاضر نیز برخی از آستانه‌ها در قوانین مالیاتی بر مبنای کسری از این سقف، شاخص‌سازی می‌شوند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

همچنین برای جلوگیری از فرسایش تعهدات پیشنهاد می‌شود در مواردی که کوتاه کردن فرصت‌های قانونی، آسیب کمتری نسبت به فرسایش تعهد ناشی از تأخیر دارد، به کوتاه نمودن فرصت پرداخت اقدام شود. علاوه بر این، ضروری است درصد جریمه و تشویق مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم، با توجه به میانگین تورم مورد انتظار به صورت سالانه تعیین شود. در کشورهای دیگر نیز برای جلوگیری از تأخیر در پرداخت تعهدات جریمه‌ها متناسب با تورم به روزرسانی می‌شوند. نکته دیگری که می‌تواند به کاهش فرسایش تعهدات کمک نماید، کاهش زمان رسیدگی سازمان امور مالیاتی برای صدور برگ تشخیص و همچنین رسیدگی به شکایات است.

منابع

پورمقیم، سیدجواد؛ نعمت پور، معصومه و میرحسین موسوی (۲۰۰۵). بررسی عوامل مؤثر بر سطح وصول درآمدهای مالیاتی در سیستم مالیاتی ایران.

تقی‌پور، انوشیروان (۱۹۹۹). «وقفه‌های جمع آوری مالیات، تورم و درآمدهای مالیاتی حقیقی دولت». *فصلنامه برنامه ریزی و بودجه*، (۶)۴، صص ۲۶-۳.

تمیزی (۲۰۱۸). «بررسی عوامل تعیین‌کننده درآمدهای مالیاتی در ایران: رویکرد اقتصادسنجی بیزینی». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*. (۱)۱۵، صص ۲۴۴-۲۲۵.

ثانی، باقر (۲۰۱۴). «برآورد وقفه‌های درآمد مالیاتی مشاغل در استان تهران». *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱(۴)، صص ۹۴-۷۳.

سپهردوست، باروتی (۲۰۱۷). «بررسی اثر تورمی تانزی بر عملکرد نظام مالیاتی در ایران». *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۲(۷۲)، صص ۴۰-۱.

کرمی، مرشدزاده (۲۰۲۱). «بررسی اثر تورم بر مالیات بر درآمد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۳ (۵۲)، صص ۴۶-۲۷.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]

منتظری، جلال و احمد جعفری صمیمی (۲۰۲۰). «متغیرهای کلان اقتصادی و درآمد مالیاتی در اقتصاد ایران». *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۶ (شماره ۲ (شماره پیاپی: ۱۲))، صص ۲۸۵-۲۵۵.

Allen R. I. G. and D. Savage (1974). Inflation and the personal income tax. *National Institute Economic Review*, No. *70*, pp. 61-74.

Beer S., Griffiths M. M.E. & M.A.D. Klemm (2023). "Tax Distortions from Inflation: What are They? How to Deal with Them?". *International Monetary Fund*.

Bird R.M. & de Jantscher M. C. (Eds.). (1992). Improving tax administration in developing countries (Vol. 19). Washington, DC: International Monetary Fund.

Cardoso E. (1998). Virtual deficits and the Patinkin effect. *Staff papers*, *45*(4), pp.619-646.

Crane S.E. & F. Nourzad (1986). Inflation and tax evasion: An empirical analysis. The Review of Economics and Statistics, pp. 217-223.

Dernburg T.F. (1976). *Indexing the Individual Income Tax for Inflation: Will this Help to Stabilize the Economy?: A Study* (No. 2). US Government Printing Office.

Diamond P. A. (1975). "Inflation and the comprehensive tax base". *Journal of Public Economics*, 4(3), pp. 227-244.

Hansen J., Mescall D. and G. Purse (2023). "Policy Forum: The Effects of Indexation and Inflation on Tax System Design". *Canadian Tax Journal/Revue fiscale canadienne*, *71*(2), pp. 389-404.

Immervoll H. (2005). Falling up the stairs: The effects of "bracket creep" on household incomes. *Review of Income and Wealth*, *51*(1), pp. 37-62.

Romer David (2006). Advanced Macroeconomics , 3th Edition , pp. 547-552

Robson W.B. & A. Laurin (2023). Double the Pain: How Inflation Increases Tax Burdens. CD Howe Institute e-Brief, 344.

Sandford C. (1998). "Inflation and the Personal Income Tax: An International Perspective, Cambridge University Press, xii+ 176 pp.£ 50/12". *Journal of Public Policy*, *1*(3), pp. 402-404.

Tanzi V. (1980). Inflationary expectations, economic activity, taxes, and interest rates. The American Economic Review, 70(1), pp. 12-21.

Tax Foundation Europe. (2023). *The impact of high inflation on tax revenue in European countries*. https://taxfoundation.org/research/all/eu/high-inflation-tax-revenue-europe/

World Bank (2023). Inflation, consumer prices (annual %) [Data]. Retrieved from https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?locations=CA

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61882/qjerp.33.113.118]